

کازرونی - بنده موافقم.

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخرگر - بنده موافقم  
رئیس - آقای وکیل الملك (اجازه)

وکیل الملك - بنده مخالفم  
رئیس - بفرمائید

وکیل الملك - مخالفت بنده حالا در آن قسمت نیست و عشاء عایدات مملکتی را بمعارف تخصیص بدهند ولی قرار این بود که عشاء عایدات را بصحبه و معارف هر دو تخصیص بدهند

حائز زاده - صحبه هم هست  
وکیل الملك - خیر در اینجا نیست و

بالاخره اگر صحبه هم باشد بنده موافقم اگر نیست مخالفم

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده ابتدا ماده اول را قرائت می کنم

بعد ماده دوم را که فراموش شده است بعرض میرسانم که نظر آقایان باشد و ماده نوشته شده بود در ماده اول نوشته شده است.

(تخصیص عشر کلیه عواید غیر خالص مملکت بودجه معارف و صحبه تقسیم آن بترتیب ذیل

(الف) صدی سی برای مؤسسات معارف و صحبه مرکزی

(ب) صدی ده برای اعزام محصلین فنی از ایالات و ولایات به اروپا

(ت) صدی پنج برای مصرف مدارس صنعتی ایالات و ولایات

(ث) صدی پنج برای ترجمه کتب عام المنفعه از اسننه مختلفه بفارسی

(ب) صدی بیست برای صحبه ایالات و ولایات

(ج) صدی پنج برای معارف ایالات و ولایات

این ماده اول این طرح است ماده ثانی اش که از نظر محوشده می گوید ( دولت

مكلف است بودجه سته ۳۰۴ را موافق این ترتیب تنظیم نماید) و تصور نمیکنم مخالفتی در این موضوع باشد.

فقط مخالفت بنده راجع بجمله ایست که نوشته اند منحصرأ بکمیسیون بودجه

ارجاع شود زیرا بنده معتقدم بکمیسیون معارف هم ارجاع شود که در تقسیمش

کمیسیون معارف نظری نماید.  
رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - اینجا مخالفتی که آقای وکیل الملك کردند راجع بصحبه بود در

رایرت کمیسیون مبتکرات اگر نوشته نشده شاید بنده اشتباه کرده باشم

برای اینکه اصل موضوع در نظر

بود و مواد در نظر گرفته نشده بود زیرا در مواد بعضی اعضاء کمیسیون مخالف بودند و در بعضی هم ممکن بود در مجلس موافقتها و مخالفتها نباشد.

اصل خبریکه کمیسیون داده و در کمیسیون هم بالاتفاق رأی داده شده این است که عشاء عایدی صرف معارف و صحبه بشود این اصل موضوع بود.

اما اینکه آقای حائری زاده فرمودند (دوماده یا یک ماده) عرض میکنم.

وقتی این طرح رفت بکمیسیون بودجه و تنظیم شد بعد برگشت بمجلس در آن صحبت میشود چون کمیسیون مبتکرات پیش از این مکلف نیست که در اصل موضوع داخل شود و آن را قابل توجه بداند یا رد کند.

اصل موضوع این است که عشر عایدات بمصرف صحبه و معارف برسد

کمیسیون این را قبول کرده است حالا مصرفش چه شکل باشد این کمیسیون مبتکرات نمیتوانست داخلش بشود و شد

و اما در قسمت قرائت اخیر آقای حائری زاده که فرمودند کمیسیون معارف هم باید در این باب نظر داشته باشد

اول باید کمیسیون بودجه در آن نظر کند بری اینکه جزء بودجه است نهایت این است که اگر لازم شود کمیسیون معارف هم در آن نظری بکند بعد از اینکه

از کمیسیون بودجه بیرون آید اگر خواسته شد بکمیسیون معارف هم برود

آن يك موضوعی است علیحده ولی ابتداء همان طوری که کمیسیون مبتکرات در نظر داشته باید بدو بکمیسیون بودجه برود بعدا که آقایان رأی دادند بکمیسیون معارف هم برود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - کافی است؟  
بعضی از نمایندگان - بلی کافی است.

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن این طرح...

دست غیب - کلمه صحبه.

رئیس - بلی. آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)  
رئیس - قابل توجه شد مراجع می شود بکمیسیون بودجه حالا اگر تقاضا دارید بجای دیگر هم مراجعه شود پیشنهاد بفرمائید.

آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - بنده خواستم تقاضا کنم بکمیسیون معارف ارجاع شود.

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - بنده خواستم تقاضا کنم بکمیسیون معارف ارجاع شود.

رئیس - بفرمائید بگذارید برای روز

دست غیب - بنده خواستم تقاضا کنم بکمیسیون معارف ارجاع شود.

رئیس - بفرمائید بگذارید برای روز

دست غیب - بنده خواستم تقاضا کنم بکمیسیون معارف ارجاع شود.

رئیس - بفرمائید بگذارید برای روز

دست غیب - بنده خواستم تقاضا کنم بکمیسیون معارف ارجاع شود.

دست غیب - بسیار خوب برود به بکمیسیون معارف ولی حالا موقعش نیست. اول باید برود بکمیسیون بودجه تصویب بشود بعد بیاید بمجلس.

پس از آن برود بکمیسیون معارف ولی حالا محل ندارد.

رئیس - آقایانیکه تصویب میکنند برود به کمیسیون معارف قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)  
رئیس - تصویب نشد.

آقای قائم مقام پیشنهاد کرده اند جلسه ختم شود.

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده - بنده راجع بدستور عرض داشتم.

بعضی از نمایندگان - دستور پنجشنبه معین است قانون انتخابات است.

تقی زاده - بلی میدانم که دستور روز ه شنبه معین است ولی برای جلسه آتیه را که باید دستورش معین شود میخواستم تقاضا کنم طرح قانونی راجع بکتابخانه جزو دستور شود.

رئیس - برای روز شنبه. آقای شیروانی.

شیروانی - اغلب آقایان نسبت بقانون استخدام مستخدمین مجلس گاهی سوالاتی میکردند تقریباً يك هفته است از کمیسیون گذشته گویا طبع و توزیع شده است بنده پیشنهاد میکنم برای روز شنبه در درجه اول جزو دستور شود.

رئیس - آقای عراقی (اجازه)

حاج آقا اسمعیل عراقی - خواستم عرض کنم که مدها است هر چه از وزارت مالیه سؤال میکنیم برای جواب حاضر شوند نمیدانم چرا حاضر نمیشوند خوبست

وزارت مالیه تذکر داده شود که لااقل يك جواب نفی ما بدهند حالا جواب اثباتی را نمیخواهیم که افلا خیالمان راحت شود.

رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - همانطوری که چندی قبل پیشنهاد کردم راجع به قانون استخدام معلمین میخواستم استدعا کنم جزو دستور شود.

یعنی خبر کمیسیون مبتکرات درو دستور شود.

رئیس - راجع بدستور روز شنبه هر چه میخواهید بفرمائید بگذارید برای روز

دست غیب - بنده خواستم تقاضا کنم بکمیسیون معارف ارجاع شود.

رئیس - بفرمائید بگذارید برای روز

دست غیب - بنده خواستم تقاضا کنم بکمیسیون معارف ارجاع شود.

رئیس - بفرمائید بگذارید برای روز

دست غیب - بنده خواستم تقاضا کنم بکمیسیون معارف ارجاع شود.

رئیس - بفرمائید بگذارید برای روز

دست غیب - بنده خواستم تقاضا کنم بکمیسیون معارف ارجاع شود.

رئیس - بفرمائید بگذارید برای روز

دست غیب - بنده خواستم تقاضا کنم بکمیسیون معارف ارجاع شود.

مشارعظم - آن هفته هم بنده عرض کردم راجع برابرت کمیسیون معارف برای تأسیس کلاسهای صنعتی در مدارس ابتدائی و فرارشد بعد در این باب رأی گرفته شود حالا اگر اجازه بفرمائید جزو دستور شود.

رئیس - عرض کردم که راجع بدستور روز شنبه روز ه شنبه باید مذاکره شود عجاتاً دستور ه شنبه هم معین است و قانون انتخاب است. آقای روحی (اجازه)

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - عرض ندارم (مجلس سربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن - الملك

منشی - علی اقبال الملك  
منشی - معظم السلطان

جلسه صد و پانزدهم  
صورت مشروح مجلس  
یوم پنجشنبه دوم برج دلو  
۱۳۰۴ مطابق بیست ششم  
جمادی الثانیه ۱۳۴۳

مجلس دوساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

صورت مجلس سه شنبه سی ام برج جدی  
را آقای آقا میرزا جواد خان قرائت نمودند.

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده قبل از دستور عرض ندارم

رئیس - آقای صدرالاسلام (اجازه)

صدرالاسلام - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای ضیاءالواعظین (اجازه)

ضیاءالواعظین - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم

رئیس - آقای مشارعظم (اجازه)

مشارعظم - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

رئیس - راجع بصورت مجلس ایرادی نیست؟

(گفتند خیر)

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

**آقا سید یعقوب**- بنده يك واقعه اسف ناکي را بعرض مجلس شورای ملی میرسانم و گمان می کنم غالب آقایان تا اندامی در روزنامه جات دیده باشند بلائي که متوجه فارس شده است والبتة آقایان نمایندگان مستعضر هستند که از دوره دوم وسوم وجهارم تاکنون نشده است که ایالت فارس درواقع درمقام استرجاح بر آمده باشد

يا اینکه مجلس شورای ملی يك توجه خاصی نسبت بايجاداشته باشد یعنی علتش هم این بوده است شاید تصور يا تقصير از طرف خود ما بوده است که جلب توجه مجلس را نسبت به آنجا نکرده ایم

ليکن این تلگرافي که آمده است گمان میکنم آقایان دست قيب وضياء - الواعظین و صدرا لاسلام نمایندگان فارس هم نظرشان این بوده است که تلگرافي که از آنجا آمده است به عرض مجلس برسد .

از این واقعه که بر نی ریز واقع شده است ويك قصبه که درواقع شهر کوچکی است بکلی از بین رفته و به جمعیت شیر و خورشید هم تلگراف کرده اند که لاقبل در مرکز يك توجهی نسبت با آنجا بشود که يك نفر مفتش روانه نمایند

خرابی هائی که در آنجا واقع شده است ملاحظه نمایند اگر ملاحظه بفرمائید در واقع امسال ایالت فارس از هر جهت گرفتار بلاومحن شده است - سيل از يك طرف .

مثلا تاکنون کسی نشنیده است کدر شیراز يك زرع ونیم دوو زرع برف بیاید و راه از شیراز تا بوشهر بکلی مسدود شده باشد .

عبور و مرور قوافل بکلی متروک شده است .

این است که تمام انتظار اهالی آنجا باین است که آقایان نمایندگان توجهی نسبت باین ایالت بدبخت ستم کشیده بفرمایند .

حالا این عرض من اثری نداشته باشد ولی هیئتقدر برای تشفی قلب خودم این تلگراف را در محضر نمایندگان محترم ایران در مجلس شورای ملی میخوانم و امیدوارم حسن رونقت و عالی جناب نمایندگان محترم آقایان را وادار نماید که از مقام محترم ریاست تقاضا کنند که بدولت تأکید شود در خصوص انجام درخواستی که کرده اند و حقیقا درخواست آنها چیزی نیست که خارج از قانون و يك امر فوق العاده باشد تقاضایشان این است که دولت در این باب يك توجهی نسبت بیک ایالتی مثل فارس که همه میدانند بهترین ایالات ایران از حیث اطاعت از مرکز میباشد هیچوقت بار در تعجیل بر مرکز هم نشده است و همیشه

**رئیس - آقای سید الواعظین** (اجازه)

**ضیاءالواعظین**- بنده هم در همین

عوائد خودش را بجان و دل گرفته و تقدیم مرکز کرده است . وقتی که اهانه میخوانند باید از فارس بگیرند و من مقتدرم که نماینده از يك چنین ایالتی هستم که اینطور مطیع مرکز است والبتة هم باید توجهی بحال آنها داشته باشد . این تلگراف اهالی فارس است که بعرض آقایان میرسانم .

توسط آقای امیر علم جمیت شیر و خورشید بشرح حال اسف اشتغال ضعفا عطف توجه اولیای دولت را ایجاب که روز قبیل طوفان شد بد بشین کن مساکن ما را احاطه خانه ها را خراب میباشند چندان گانی ثروت اغنام مواشی منقولات فوق معدودی نفوس تلف قنوات منهدم محصول سبزی سیلاب برده جمعی را گداگر سینه بقوت لامعوت محتاج باحال رفت بار باقی اگر بقا عزندگان فلک زدگان متفرق منظور نظر است برای اعاشه و رهائی از هلاک استعدای پندل اعانه کافی استعدای اخیر تأمین بخشش مالیات چندین سال طولی که جبر خسارات تلافی صدمات نماید باوجود ابتلای بیلای طوفان توجه فلاکت پریشانی امیدزندگانی آتیه مقطوع فکر مطالبه مالیات با حال حاضره قلوب را متزلزل گزارش عرض استعدای رسیدگی مفتش منصف که بدانند بافلاکت مملکت استعدای بدون استعطاق نشده تمام مطالب را هم ملاحظه کرده اند قریب کرور تومان خسارت رسیده از دارائی ساقط مستعدی اعطاء اعانه معانی مالیات سنوات آتیه چنانچه توجه و رسیدگی نشود مستعدیات مذکور و قرا قاطع که مستلزم آسایش باشد ندهند قوه سکونت سنب متواری می شویم .

این است تقاضا و درخواست يك شهری که نی ریز باشد از مرکز که مقام ابوت و پندری نسبت به آنها دارد حالا گمان می - کنم آقایان در این عرض و استدعائی که کردم از مقام منبع ریاست تقاضا خواهند نمود که توجه دولت را نسبت با آنها جلب نمایند و مسلم است که جمعیت شیر و خورشید هم که تشکیل شده است برای حفظ ضعفا و بدبختها است .

حالا نه اینکه نی ریز از بین رفته است دامنه سيل جهرم را هم گرفته است و مسیرات شیراز تماما هبانه متورانشده است این بود حال اهالی نی ریز که بعرض آقایان رسانیدم .

**رئیس - آقای صدرالاسلام** (اجازه)

**صدرالاسلام**- بنده مقصود همین عرضی بود که آقای آقای آقا سید یعقوب فرمودند و جلب توجه مجلس مقدس را کردند .

**رئیس - آقای ضیاء الواعظین** (اجازه)

**ضیاءالواعظین**- بنده هم در همین

زمینه میخواستیم عرضی بکنم و در مقام استرجاح از آقایان نمایندگان برآیم بملاوه پیشنهاد کنم از طرف مجلس مقدس بدولت تذکر داده شود که يك نماینده مخصوصی از طرف مالیه فارس بجهرم فرستاده شود و ایرت جامعی بوزارت مالیه بدهند تا در آتیه يك تصمیمی در این خصوص گرفته شود .

**رئیس - آقای مشاراعظم** (اجازه)

**مشاراعظم**- بنده عرضی ندارم

**رئیس - آقای دست غیب**- بنده هم همینطور راجع به مسئله که آقای آقا سید یعقوب مصلایبان کردند میخواستیم عرض بکنم ولی چون آقایان آقا سید یعقوب و صدرا لاسلام و ضیاء الواعظین بیان فرمودند بنده دیگر عرضی ندارم

**رئیس - آقای باسائی** (اجازه)

**باسائی**- عرضی ندارم

**آقا شیخ محمد علی طهرانی** - عرضی ندارم

**رئیس - آقای شیروانی** (اجازه)

**شیروانی**- در ماده دوازدهم در قسمت اول بنده پیشنهاد کرده ام بنویسند اشخاصی که میتوانند انتخاب شوند باید کور باشند و این کلمه نسوان از اینجا حذف شود . در قسمت دوم هم که مینویسد (ورشکستگان بتقصیر) اینجا این ورشکستگان بتقصیر مطلق است ممکن است در خارج گفته شود که فلان شخص ورشکسته بتقصیر است در صورتیکه حقیقا بتقصیر نداشته باشد و عقیده من این است که نوشته شود در صورتی که در يك محکمه محکوم شده باشد .

**رئیس - آقای سیر وانی** (اجازه)

**سیر وانی**- در ماده دوازدهم در قسمت اول بنده پیشنهاد کرده ام بنویسند اشخاصی که میتوانند انتخاب شوند باید کور باشند و این کلمه نسوان از اینجا حذف شود . در قسمت دوم هم که مینویسد (ورشکستگان بتقصیر) اینجا این ورشکستگان بتقصیر مطلق است ممکن است در خارج گفته شود که فلان شخص ورشکسته بتقصیر است در صورتیکه حقیقا بتقصیر نداشته باشد و عقیده من این است که نوشته شود در صورتی که در يك محکمه محکوم شده باشد .

**رئیس - آقای باسائی** (اجازه)

**باسائی**- عرضی ندارم

**آقا شیخ محمد علی طهرانی** - عرضی ندارم

**رئیس - آقای شیروانی** (اجازه)

**شیروانی**- در ماده دوازدهم در قسمت اول بنده پیشنهاد کرده ام بنویسند اشخاصی که میتوانند انتخاب شوند باید کور باشند و این کلمه نسوان از اینجا حذف شود . در قسمت دوم هم که مینویسد (ورشکستگان بتقصیر) اینجا این ورشکستگان بتقصیر مطلق است ممکن است در خارج گفته شود که فلان شخص ورشکسته بتقصیر است در صورتیکه حقیقا بتقصیر نداشته باشد و عقیده من این است که نوشته شود در صورتی که در يك محکمه محکوم شده باشد .

**رئیس - آقای سیر وانی** (اجازه)

**سیر وانی**- در ماده دوازدهم در قسمت اول بنده پیشنهاد کرده ام بنویسند اشخاصی که میتوانند انتخاب شوند باید کور باشند و این کلمه نسوان از اینجا حذف شود . در قسمت دوم هم که مینویسد (ورشکستگان بتقصیر) اینجا این ورشکستگان بتقصیر مطلق است ممکن است در خارج گفته شود که فلان شخص ورشکسته بتقصیر است در صورتیکه حقیقا بتقصیر نداشته باشد و عقیده من این است که نوشته شود در صورتی که در يك محکمه محکوم شده باشد .

**رئیس - آقای باسائی** (اجازه)

**باسائی**- عرضی ندارم

**آقا شیخ محمد علی طهرانی** - عرضی ندارم

**رئیس - آقای شیروانی** (اجازه)

**شیروانی**- در ماده دوازدهم در قسمت اول بنده پیشنهاد کرده ام بنویسند اشخاصی که میتوانند انتخاب شوند باید کور باشند و این کلمه نسوان از اینجا حذف شود . در قسمت دوم هم که مینویسد (ورشکستگان بتقصیر) اینجا این ورشکستگان بتقصیر مطلق است ممکن است در خارج گفته شود که فلان شخص ورشکسته بتقصیر است در صورتیکه حقیقا بتقصیر نداشته باشد و عقیده من این است که نوشته شود در صورتی که در يك محکمه محکوم شده باشد .

**رئیس - آقای سیر وانی** (اجازه)

**سیر وانی**- در ماده دوازدهم در قسمت اول بنده پیشنهاد کرده ام بنویسند اشخاصی که میتوانند انتخاب شوند باید کور باشند و این کلمه نسوان از اینجا حذف شود . در قسمت دوم هم که مینویسد (ورشکستگان بتقصیر) اینجا این ورشکستگان بتقصیر مطلق است ممکن است در خارج گفته شود که فلان شخص ورشکسته بتقصیر است در صورتیکه حقیقا بتقصیر نداشته باشد و عقیده من این است که نوشته شود در صورتی که در يك محکمه محکوم شده باشد .

**رئیس - آقای باسائی** (اجازه)

**باسائی**- عرضی ندارم

**آقا شیخ محمد علی طهرانی** - عرضی ندارم

عقیده دینی و خرویشان از دین حنیف اسلام در نزدیکی از احکام شرع جامع - الشریاط ثابت یا بشایع رسیده باشد . بنده با این قسمت و باشیاع رسیده باشد مخالفم و همانندم که نوشته شود در حضور یکی از حکام شرع ثابت شده باشد کافی است .

**رئیس - آقای سیر وانی** (اجازه)

**سیر وانی**- در ماده دوازدهم در قسمت اول بنده پیشنهاد کرده ام بنویسند اشخاصی که میتوانند انتخاب شوند باید کور باشند و این کلمه نسوان از اینجا حذف شود . در قسمت دوم هم که مینویسد (ورشکستگان بتقصیر) اینجا این ورشکستگان بتقصیر مطلق است ممکن است در خارج گفته شود که فلان شخص ورشکسته بتقصیر است در صورتیکه حقیقا بتقصیر نداشته باشد و عقیده من این است که نوشته شود در صورتی که در يك محکمه محکوم شده باشد .

**رئیس - آقای باسائی** (اجازه)

**باسائی**- عرضی ندارم

**آقا شیخ محمد علی طهرانی** - عرضی ندارم

**رئیس - آقای شیروانی** (اجازه)

**شیروانی**- در ماده دوازدهم در قسمت اول بنده پیشنهاد کرده ام بنویسند اشخاصی که میتوانند انتخاب شوند باید کور باشند و این کلمه نسوان از اینجا حذف شود . در قسمت دوم هم که مینویسد (ورشکستگان بتقصیر) اینجا این ورشکستگان بتقصیر مطلق است ممکن است در خارج گفته شود که فلان شخص ورشکسته بتقصیر است در صورتیکه حقیقا بتقصیر نداشته باشد و عقیده من این است که نوشته شود در صورتی که در يك محکمه محکوم شده باشد .

**رئیس - آقای سیر وانی** (اجازه)

**سیر وانی**- در ماده دوازدهم در قسمت اول بنده پیشنهاد کرده ام بنویسند اشخاصی که میتوانند انتخاب شوند باید کور باشند و این کلمه نسوان از اینجا حذف شود . در قسمت دوم هم که مینویسد (ورشکستگان بتقصیر) اینجا این ورشکستگان بتقصیر مطلق است ممکن است در خارج گفته شود که فلان شخص ورشکسته بتقصیر است در صورتیکه حقیقا بتقصیر نداشته باشد و عقیده من این است که نوشته شود در صورتی که در يك محکمه محکوم شده باشد .

**رئیس - آقای باسائی** (اجازه)

**باسائی**- عرضی ندارم

**آقا شیخ محمد علی طهرانی** - عرضی ندارم

**رئیس - آقای شیروانی** (اجازه)

**شیروانی**- در ماده دوازدهم در قسمت اول بنده پیشنهاد کرده ام بنویسند اشخاصی که میتوانند انتخاب شوند باید کور باشند و این کلمه نسوان از اینجا حذف شود . در قسمت دوم هم که مینویسد (ورشکستگان بتقصیر) اینجا این ورشکستگان بتقصیر مطلق است ممکن است در خارج گفته شود که فلان شخص ورشکسته بتقصیر است در صورتیکه حقیقا بتقصیر نداشته باشد و عقیده من این است که نوشته شود در صورتی که در يك محکمه محکوم شده باشد .

**رئیس - آقای سیر وانی** (اجازه)

**سیر وانی**- در ماده دوازدهم در قسمت اول بنده پیشنهاد کرده ام بنویسند اشخاصی که میتوانند انتخاب شوند باید کور باشند و این کلمه نسوان از اینجا حذف شود . در قسمت دوم هم که مینویسد (ورشکستگان بتقصیر) اینجا این ورشکستگان بتقصیر مطلق است ممکن است در خارج گفته شود که فلان شخص ورشکسته بتقصیر است در صورتیکه حقیقا بتقصیر نداشته باشد و عقیده من این است که نوشته شود در صورتی که در يك محکمه محکوم شده باشد .

**رئیس - آقای باسائی** (اجازه)

**باسائی**- عرضی ندارم

**آقا شیخ محمد علی طهرانی** - عرضی ندارم

برای اینکه ممکن است يك کسی بدون تقصیر محکوم باین قضیه بشود والبتة با این ترتیب نظر آقای شیروانی هم بهتر تأمین خواهد شد . اما اینکه فرمودند لفظ مقصرین سیاسی در اینجا اسباب زحمت است بعضی خواهند گفت مقصر سیاسی هست و بعضی خواهند گفت نیست اگر درست بعبارت دقت بفرمایند تصدیق خواهند فرمود که اینجا اشتباه رخ نمیدهد زیرا مقصرین سیاسی يك مبتدائی است که خبرش در اینجا تمام میشود که برضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام واقعا کرده باشد و وقتیکه آخر عبارات ملاحظه بفرمایند مینیبند نمیشود کسی زانجهم کرد که برضد استقلال مملکت قیام کرده است

**رئیس - ماده سیزدهم**

حائری زاده مخیر کدیون - در تبصره این ماده يك اشتباهی در طبع شده است . سایر مستخدمین دولتی قابل انتخاب هستند بشرط اینکه بعد از انتخاب برای مدت نمایندگی از شغل خود استعفا دهند در اینجا کلمه (بعد) را (قبل) چاپ کرده اند برای تذکر خاطر آقایان عرض کردم .

**رئیس - آقای باسائی** (اجازه)

**باسائی**- در ماده سیزدهم نوشته شده است کسانی که بواسطه شغل و مقام از انتخاب شدن محرومند و فلسفه هائی که در نظر گرفته اند

برای اضافه کردن بعضی از چیزها همه آقایان میدانند ابتداء نوشته شده است . وزراء و معاونین آنها در زمان انتخاب در کلبه مملکت حق انتخاب شدن را ندارند . بنده نمیفهمم از چه نقطه نظریانکار را کرده اند اشخاصی که در مملکت وزیر میشوند و از طرف مجلس نسبت با آنها اظهار اعتماد میشود لابد اینها يك اشخاص قانونی و اشخاصی هستند که اطلاعات اداری و قانونی آنها بیشتر از سایر اشخاص است و بهتر بکار مجلس شورای ملی میخورند و اینطور اشخاص را نمیشود باینک فلسفه های نیش قولی از حق انتخاب شدن محروم نمود فرضاً فلان وزیر که کاملاً قانونی است و کاملاً رعایت قانون مملکت و نظامات جاریه را میکند و در مقابل مجلس شورای ملی هم خیلی با احتیاط رفتار مینماید چه مجوزی دارد که او را از حق انتخاب شدن محروم کنیم ؟

**رئیس - آقای سیر وانی** (اجازه)

**سیر وانی**- در ماده سیزدهم نوشته شده است کسانی که بواسطه شغل و مقام از انتخاب شدن محرومند و فلسفه هائی که در نظر گرفته اند

برای اضافه کردن بعضی از چیزها همه آقایان میدانند ابتداء نوشته شده است . وزراء و معاونین آنها در زمان انتخاب در کلبه مملکت حق انتخاب شدن را ندارند . بنده نمیفهمم از چه نقطه نظریانکار را کرده اند اشخاصی که در مملکت وزیر میشوند و از طرف مجلس نسبت با آنها اظهار اعتماد میشود لابد اینها يك اشخاص قانونی و اشخاصی هستند که اطلاعات اداری و قانونی آنها بیشتر از سایر اشخاص است و بهتر بکار مجلس شورای ملی میخورند و اینطور اشخاص را نمیشود باینک فلسفه های نیش قولی از حق انتخاب شدن محروم نمود فرضاً فلان وزیر که کاملاً قانونی است و کاملاً رعایت قانون مملکت و نظامات جاریه را میکند و در مقابل مجلس شورای ملی هم خیلی با احتیاط رفتار مینماید چه مجوزی دارد که او را از حق انتخاب شدن محروم کنیم ؟

**رئیس - آقای باسائی** (اجازه)

**باسائی**- در ماده سیزدهم نوشته شده است کسانی که بواسطه شغل و مقام از انتخاب شدن محرومند و فلسفه هائی که در نظر گرفته اند

برای اضافه کردن بعضی از چیزها همه آقایان میدانند ابتداء نوشته شده است . وزراء و معاونین آنها در زمان انتخاب در کلبه مملکت حق انتخاب شدن را ندارند . بنده نمیفهمم از چه نقطه نظریانکار را کرده اند اشخاصی که در مملکت وزیر میشوند و از طرف مجلس نسبت با آنها اظهار اعتماد میشود لابد اینها يك اشخاص قانونی و اشخاصی هستند که اطلاعات اداری و قانونی آنها بیشتر از سایر اشخاص است و بهتر بکار مجلس شورای ملی میخورند و اینطور اشخاص را نمیشود باینک فلسفه های نیش قولی از حق انتخاب شدن محروم نمود فرضاً فلان وزیر که کاملاً قانونی است و کاملاً رعایت قانون مملکت و نظامات جاریه را میکند و در مقابل مجلس شورای ملی هم خیلی با احتیاط رفتار مینماید چه مجوزی دارد که او را از حق انتخاب شدن محروم کنیم ؟

**رئیس - آقای سیر وانی** (اجازه)

**سیر وانی**- در ماده سیزدهم نوشته شده است کسانی که بواسطه شغل و مقام از انتخاب شدن محرومند و فلسفه هائی که در نظر گرفته اند

**رئیس - آقای باسائی** (اجازه)

**باسائی**- عرضی ندارم

گفته میشود ممکن است در موقع وزارت يك وزرائی اعمال نفوذ هائی بکنند ولی اگر يك وزرائی اعمال نفوذ نکند و کاملاً قانونی بودند مردم و از نقطه نظر احساسات خودشان آنها را انتخاب کردند چه موجبی دارد که ما بگوئیم فلان وزیر یا معاونش از این حق محروم باشند و بنده با این ترتیب مخالفم البته باید اوج داشته باشد انتخاب شود و مجلس بیاید و همانطور که از وزارت او مملکت استفاده میکنند از دکتر ورتی که يك وزیر در رأس يك وزارتخانه قرار گرفته و مسئولیت يك قسمت مهم از کارهای مملکت را ههده دار است چه موجبی دارد که همچو شخصی نتواند وکیل شود ؟

**این قید غریبی است !!**

در همین دوره مکر چند نفر وکیل بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است . رئیس - ماده سیزدهم

حائری زاده مخیر کدیون - در تبصره این ماده يك اشتباهی در طبع شده است . سایر مستخدمین دولتی قابل انتخاب هستند بشرط اینکه بعد از انتخاب برای مدت نمایندگی از شغل خود استعفا دهند در اینجا کلمه (بعد) را (قبل) چاپ کرده اند برای تذکر خاطر آقایان عرض کردم .

**رئیس - آقای باسائی** (اجازه)

**باسائی**- در ماده سیزدهم نوشته شده است کسانی که بواسطه شغل و مقام از انتخاب شدن محرومند و فلسفه هائی که در نظر گرفته اند

برای اضافه کردن بعضی از چیزها همه آقایان میدانند ابتداء نوشته شده است . وزراء و معاونین آنها در زمان انتخاب در کلبه مملکت حق انتخاب شدن را ندارند . بنده نمیفهمم از چه نقطه نظریانکار را کرده اند اشخاصی که در مملکت وزیر میشوند و از طرف مجلس نسبت با آنها اظهار اعتماد میشود لابد اینها يك اشخاص قانونی و اشخاصی هستند که اطلاعات اداری و قانونی آنها بیشتر از سایر اشخاص است و بهتر بکار مجلس شورای ملی میخورند و اینطور اشخاص را نمیشود باینک فلسفه های نیش قولی از حق انتخاب شدن محروم نمود فرضاً فلان وزیر که کاملاً قانونی است و کاملاً رعایت قانون مملکت و نظامات جاریه را میکند و در مقابل مجلس شورای ملی هم خیلی با احتیاط رفتار مینماید چه مجوزی دارد که او را از حق انتخاب شدن محروم کنیم ؟

**رئیس - آقای سیر وانی** (اجازه)

**سیر وانی**- در ماده سیزدهم نوشته شده است کسانی که بواسطه شغل و مقام از انتخاب شدن محرومند و فلسفه هائی که در نظر گرفته اند

برای اضافه کردن بعضی از چیزها همه آقایان میدانند ابتداء نوشته شده است . وزراء و معاونین آنها در زمان انتخاب در کلبه مملکت حق انتخاب شدن را ندارند . بنده نمیفهمم از چه نقطه نظریانکار را کرده اند اشخاصی که در مملکت وزیر میشوند و از طرف مجلس نسبت با آنها اظهار اعتماد میشود لابد اینها يك اشخاص قانونی و اشخاصی هستند که اطلاعات اداری و قانونی آنها بیشتر از سایر اشخاص است و بهتر بکار مجلس شورای ملی میخورند و اینطور اشخاص را نمیشود باینک فلسفه های نیش قولی از حق انتخاب شدن محروم نمود فرضاً فلان وزیر که کاملاً قانونی است و کاملاً رعایت قانون مملکت و نظامات جاریه را میکند و در مقابل مجلس شورای ملی هم خیلی با احتیاط رفتار مینماید چه مجوزی دارد که او را از حق انتخاب شدن محروم کنیم ؟

**رئیس - آقای باسائی** (اجازه)

**باسائی**- در ماده سیزدهم نوشته شده است کسانی که بواسطه شغل و مقام از انتخاب شدن محرومند و فلسفه هائی که در نظر گرفته اند

**رئیس - آقای سیر وانی** (اجازه)

**سیر وانی**- در ماده سیزدهم نوشته شده است کسانی که بواسطه شغل و مقام از انتخاب شدن محرومند و فلسفه هائی که در نظر گرفته اند

**رئیس - آقای باسائی** (اجازه)

**باسائی**- عرضی ندارم

میخواهند او را وکیل کنند چه لزومی دارد آنها را محروم کنیم . رئیس تنگراف يك ولایتی چه نفوذ میتواند اعمال کند ؟ بعقیده بنده بالاین ترتیب جلو گیری از اعمال نفوذ نمیشود . خودمان بهتر میدانیم . اشخاصی که در يك نقطه خدماتی کرده اند .

**رئیس - آقای سیر وانی** (اجازه)

**سیر وانی**- در ماده سیزدهم نوشته شده است کسانی که بواسطه شغل و مقام از انتخاب شدن محرومند و فلسفه هائی که در نظر گرفته اند

برای اضافه کردن بعضی از چیزها همه آقایان میدانند ابتداء نوشته شده است . وزراء و معاونین آنها در زمان انتخاب در کلبه مملکت حق انتخاب شدن را ندارند . بنده نمیفهمم از چه نقطه نظریانکار را کرده اند اشخاصی که در مملکت وزیر میشوند و از طرف مجلس نسبت با آنها اظهار اعتماد میشود لابد اینها يك اشخاص قانونی و اشخاصی هستند که اطلاعات اداری و قانونی آنها بیشتر از سایر اشخاص است و بهتر بکار مجلس شورای ملی میخورند و اینطور اشخاص را نمیشود باینک فلسفه های نیش قولی از حق انتخاب شدن محروم نمود فرضاً فلان وزیر که کاملاً قانونی است و کاملاً رعایت قانون مملکت و نظامات جاریه را میکند و در مقابل مجلس شورای ملی هم خیلی با احتیاط رفتار مینماید چه مجوزی دارد که او را از حق انتخاب شدن محروم کنیم ؟

**رئیس - آقای باسائی** (اجازه)

**باسائی**- در ماده سیزدهم نوشته شده است کسانی که بواسطه شغل و مقام از انتخاب شدن محرومند و فلسفه هائی که در نظر گرفته اند

برای اضافه کردن بعضی از چیزها همه آقایان میدانند ابتداء نوشته شده است . وزراء و معاونین آنها در زمان انتخاب در کلبه مملکت حق انتخاب شدن را ندارند . بنده نمیفهمم از چه نقطه نظریانکار را کرده اند اشخاصی که در مملکت وزیر میشوند و از طرف مجلس نسبت با آنها اظهار اعتماد میشود لابد اینها يك اشخاص قانونی و اشخاصی هستند که اطلاعات اداری و قانونی آنها بیشتر از سایر اشخاص است و بهتر بکار مجلس شورای ملی میخورند و اینطور اشخاص را نمیشود باینک فلسفه های نیش قولی از حق انتخاب شدن محروم نمود فرضاً فلان وزیر که کاملاً قانونی است و کاملاً رعایت قانون مملکت و نظامات جاریه را میکند و در مقابل مجلس شورای ملی هم خیلی با احتیاط رفتار مینماید چه مجوزی دارد که او را از حق انتخاب شدن محروم کنیم ؟

**رئیس - آقای سیر وانی** (اجازه)

**سیر وانی**- در ماده سیزدهم نوشته شده است کسانی که بواسطه شغل و مقام از انتخاب شدن محرومند و فلسفه هائی که در نظر گرفته اند

برای اضافه کردن بعضی از چیزها همه آقایان میدانند ابتداء نوشته شده است . وزراء و معاونین آنها در زمان انتخاب در کلبه مملکت حق انتخاب شدن را ندارند . بنده نمیفهمم از چه نقطه نظریانکار را کرده اند اشخاصی که در مملکت وزیر میشوند و از طرف مجلس نسبت با آنها اظهار اعتماد میشود لابد اینها يك اشخاص قانونی و اشخاصی هستند که اطلاعات اداری و قانونی آنها بیشتر از سایر اشخاص است و بهتر بکار مجلس شورای ملی میخورند و اینطور اشخاص را نمیشود باینک فلسفه های نیش قولی از حق انتخاب شدن محروم نمود فرضاً فلان وزیر که کاملاً قانونی است و کاملاً رعایت قانون مملکت و نظامات جاریه را میکند و در مقابل مجلس شورای ملی هم خیلی با احتیاط رفتار مینماید چه مجوزی دارد که او را از حق انتخاب شدن محروم کنیم ؟

**رئیس - آقای باسائی** (اجازه)

**باسائی**- در ماده سیزدهم نوشته شده است کسانی که بواسطه شغل و مقام از انتخاب شدن محرومند و فلسفه هائی که در نظر گرفته اند

**رئیس - آقای سیر وانی** (اجازه)

**سیر وانی**- در ماده سیزدهم نوشته شده است کسانی که بواسطه شغل و مقام از انتخاب شدن محرومند و فلسفه هائی که در نظر گرفته اند

**رئیس - آقای باسائی** (اجازه)

**باسائی**- عرضی ندارم

مخبره فرمایند که آقای نماینده محترم فرمودند لازم است عرض کنم اینجانب ایران است و تمام ماشیهائی که حکومت شوروی لازم دارد هنوز مرتب نشده . اعمال نفوذ در بعضی اوقات طور است که نه قانون و نه اشخاص میتواند مانع آن شوند فرضاً فلان كس خدمت کرده و موطرف توجه عموم واقع شده و مردم از او حرف شنوی دارند و نظریات او همیشه برای خودشان نافع میدانند و او را انتخاب میکنند این قسم نفوذها نفوذهای نامشروعی است و نباید جلو گیری کرد

**رئیس - آقای سیر وانی** (اجازه)

**سیر وانی**- در ماده سیزدهم نوشته شده است کسانی که بواسطه شغل و مقام از انتخاب شدن محرومند و فلسفه هائی که در نظر گرفته اند

برای اضافه کردن بعضی از چیزها همه آقایان میدانند ابتداء نوشته شده است . وزراء و معاونین آنها در زمان انتخاب در کلبه مملکت حق انتخاب شدن را ندارند . بنده نمیفهمم از چه نقطه نظریانکار را کرده اند اشخاصی که در مملکت وزیر میشوند و از طرف مجلس نسبت با آنها اظهار اعتماد میشود لابد اینها يك اشخاص قانونی و اشخاصی هستند که اطلاعات اداری و قانونی آنها بیشتر از سایر اشخاص است و بهتر بکار مجلس شورای ملی میخورند و اینطور اشخاص را نمیشود باینک فلسفه های نیش قولی از حق انتخاب شدن محروم نمود فرضاً فلان وزیر که کاملاً قانونی است و کاملاً رعایت قانون مملکت و نظامات جاریه را میکند و در مقابل مجلس شورای ملی هم خیلی با احتیاط رفتار مینماید چه مجوزی دارد که او را از حق انتخاب شدن محروم کنیم ؟

**رئیس - آقای باسائی** (اجازه)

**باسائی**- در ماده سیزدهم نوشته شده است کسانی که بواسطه شغل و مقام از انتخاب شدن محرومند و فلسفه هائی که در نظر گرفته اند

برای اضافه کردن بعضی از چیزها همه آقایان میدانند ابتداء نوشته شده است . وزراء و معاونین آنها در زمان انتخاب در کلبه مملکت حق انتخاب شدن را ندارند . بنده نمیفهمم از چه نقطه نظریانکار را کرده اند اشخاصی که در مملکت وزیر میشوند و از طرف مجلس نسبت با آنها اظهار اعتماد میشود لابد اینها يك اشخاص قانونی و اشخاصی هستند که اطلاعات اداری و قانونی آنها بیشتر از سایر اشخاص است و بهتر بکار مجلس شورای ملی میخورند و اینطور اشخاص را نمیشود باینک فلسفه های نیش قولی از حق انتخاب شدن محروم نمود فرضاً فلان وزیر که کاملاً قانونی است و کاملاً رعایت قانون مملکت و نظامات جاریه را میکند و در مقابل مجلس شورای ملی هم خیلی با احتیاط رفتار مینماید چه مجوزی دارد که او را از حق انتخاب شدن محروم کنیم ؟

**رئیس - آقای سیر وانی** (اجازه)

**سیر وانی**- در ماده سیزدهم نوشته شده است کسانی که بواسطه شغل و مقام از انتخاب شدن محرومند و فلسفه هائی که در نظر گرفته اند

برای اضافه کردن بعضی از چیزها همه آقایان میدانند ابتداء نوشته شده است . وزراء و معاونین آنها در زمان انتخاب در کلبه مملکت حق انتخاب شدن را ندارند . بنده نمیفهمم از چه نقطه نظریانکار را کرده اند اشخاصی که در مملکت وزیر میشوند و از طرف مجلس نسبت با آنها اظهار اعتماد میشود لابد اینها يك اشخاص قانونی و اشخاصی هستند که اطلاعات اداری و قانونی آنها بیشتر از سایر اشخاص است و بهتر بکار مجلس شورای ملی میخورند و اینطور اشخاص را نمیشود باینک فلسفه های نیش قولی از حق انتخاب شدن محروم نمود فرضاً فلان وزیر که کاملاً قانونی است و کاملاً رعایت قانون مملکت و نظامات جاریه را میکند و در مقابل مجلس شورای ملی هم خیلی با احتیاط رفتار مینماید چه مجوزی دارد که او را از حق انتخاب شدن محروم کنیم ؟

**رئیس - آقای باسائی** (اجازه)

**باسائی**- در ماده سیزدهم نوشته شده است کسانی که بواسطه شغل و مقام از انتخاب شدن محرومند و فلسفه هائی که در نظر گرفته اند

**رئیس - آقای سیر وانی** (اجازه)

**سیر وانی**- در ماده سیزدهم نوشته شده است کسانی که بواسطه شغل و مقام از انتخاب شدن محرومند و فلسفه هائی که در نظر گرفته اند

**رئیس - آقای باسائی** (اجازه)

**باسائی**- عرضی ندارم

حق انتخاب شدن محروم کنیم؟ اگر هم فرض بفرمایید نفوذی شود فقط از ناحیه وزراء است و اگر اینطور فرض شود پس ما چرا مقامات یابین تر را محروم کنیم؟ پس با این دلایل فرمایید که آقای مخبر فرمودند حلاً و نقضاً غیر موجه است رئیس - آقای اخگر (اجازه)

خاگر - در قانون تصریح شده است که چند طبقه از ما مورین دولتی نمی بایستی انتخاب شوند و دلایل این محرومیت هم این است که هم از نفوذ متنفذین جلوگیری شود هم در دوائر دولتی بجای اینکه ما مورین بکارهای خودشان برسند مشغول امور سیاسی شوند در اینجا هم نوشته نشده است هر کس وزیر شد نباید انتخاب شود. اگر آدم خیلی خوبی است که همان وزیر باشد بهتر است و اگر خدای نکرده برعکس است چه از مومی دارد که وکیل شود؟ علاوه در اینجهام قید نشده است هر کس وزیر شد دیگر حق ندارد وکیل شود نوشته شده است:

اما فرمودند روسای دوائر بیچاره ها چکار میخوانند بکنند و چه نفوذی میخوانند در محل بخرج بدهند و چطور میشود رئیس عدلیه یا مالیه و یا احکام نفوذ داشته باشند!! البته از نقطه نظر احتیاجیکه مردم ادارات دارند ممکن است در تحت نفوذ واقع شوند و این چیز تازه نیست و الان چندین دوره از انتخابات میگردد و کمالات معلوم است که آیا رؤسای ادارات میتوانند اعمال نفوذ بکنند یا نه این یک چیز تازه نیست که مادرش شک وتردید میماند و کمالات معلوم است که از طرف دولت مأمور است که با مأمور دولتی رسیدگی کند اگر اجازه داشته باشد در سیاست مداخله کند این طبیعی است که تمام نفوذ قدرتی را که دولت برای اعمال نظریات اداری باو داده است برای تنقید نظریات شخصیش اعمال خواهد کرد.

اینکه اگر متنفذین هم جلوگیری شود و اما اینکه فرمودند چرا مستخدمین محروم باشند البته این نکته را آقایان باید متوجه باشند که ادارات امنیه و نظمی هم در سیبیلین نظام موافق نظامیها هستند و همان مجزا باشند زیرا اگر بشود ادارات نظامی در سیاست مداخله کنند اساساً وظایفشان از بین میرود و اسباب اشکال میشود. مستخدمین که در ادارات نظامی هستند اعم از قشون بری یا بحری و یا امنیه و نظمی تمام در تحت دیسیپلین نظام هست و بهمان دلیل نایبستی در سیاست مداخله بکنند و اگر مداخله در سیاست بکنند اسباب اشکال میشود. و اما فرمودند روسای دوائر بیچاره ها چکار میخوانند بکنند و چه نفوذی میخوانند در محل بخرج بدهند و چطور میشود رئیس عدلیه یا مالیه و یا احکام نفوذ داشته باشند!! البته از نقطه نظر احتیاجیکه مردم ادارات دارند ممکن است در تحت نفوذ واقع شوند و این چیز تازه نیست و الان چندین دوره از انتخابات میگردد و کمالات معلوم است که آیا رؤسای ادارات میتوانند اعمال نفوذ بکنند یا نه این یک چیز تازه نیست که مادرش شک وتردید میماند و کمالات معلوم است که از طرف دولت مأمور است که با مأمور دولتی رسیدگی کند اگر اجازه داشته باشد در سیاست مداخله کند این طبیعی است که تمام نفوذ قدرتی را که دولت برای اعمال نظریات اداری باو داده است برای تنقید نظریات شخصیش اعمال خواهد کرد.

یک رئیس نظمی فلان ولایت آیا نمی تواند مردم را مجبور کند که باو رأی بدهند؟ یا یک رئیس مالیه که تمام این متنفذین که طرف وحشت آقای طهرانی شده اند و مجبورند مقاصد مالیاتی او از بگیرند و هزار جور خورده حساب دارند آیا ممکن نیست در تحت نفوذ او واقع شوند؟ خود آن متنفذین و کسانی که در تحت نفوذ آنها هستند آیا نمیشود آلت اعمال نظریات خصوصی رئیس مالیه واقع شوند.

بلاوه اگر ماحق انتخاب شدن باین اشخاص به هم آنوقت در یک محل ممکن است رئیس مالیه و کارگذار و حاکم همه آنها بخواهند وکیل شوند و البته ملاحظه بفرمایند که آن نزاع و جدالهایی که ما بین این کاندیدا ها واقع میشود نتیجه اش چه خواهد شد باینجهام غیر از خرابی مملکت و دوائر دولتی نتیجه دیگری خواهد

نمذ سایلر متنفذین هم جلوگیری شود؟ داشته؟ بلاوه راجع بسایر مستخدمین اجازه داده شده که اگر انتخاب شدند میتوانند شغل دولتی استعفا بدهند و وکیل شوند و اگر یک رئیس مالیه آدم صحیح و خوش کاری باشد از اول عمرش که در یک شهر مأمور نبوده در سایر شهرها هم بوده چه جهت دارد که ما بگوئیم و اجازه بدهیم که از همان شهری که مأموریت دارد وکیل شود.

البته اگر آدم خوبی است سابقاً هم خوب بوده است و در آن محل دیگری که کار خوب کرده او را انتخاب میکنند و آنوقت هم از کار دولتیش استعفا میدهد و می آید وکیل میشود و هیچ اشکالی ندارد. و اما اینکه آقای طهرانی فرمودند:

در تهران اگر نفوذی هم بشود فرض کرد فقط راجع بوزراء است و سایر رؤسای ادارات دیگر نفوذ ندارند. البته این مسئله را باید تصدیق کرد که هر رئیس اداره بقدر قوه که دارد نفوذ دارد و قانونهم برای تمام مملکت نوشته میشود و فرضاً اگر یکی از این دلائل در یک شهری موجود نباشد در سایر شهرها موجود است و علاوه بغير از نظامیها در غیر از محل مأموریت خودشان در صورتی که از شغل دولتیشان استعفا بدهند میتوانند انتخاب شوند و بنده دلیل برای مخالفت با این ماده نمی بینم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است (بعضی گفتند: کافی نیست) رئیس - آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند) رئیس - اکثریت است. پیشنهادها قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال الدین: در ماده ۱۳ قانون انتخابات مواد (۳) پیشنهاد می نمایم که بجای «در قلمرو مأموریت خود» نوشته شود «در تمام مملکت پیشنهاد آقای قائم مقام: بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۳ فقره دو پس از نقطه «بری و بحری» لفظ «هوایی» هم نوشته شود. پیشنهاد میرزا جوادخان بنده پیشنهاد میکنم: فقره سوم ماده ۱۳ باین ترتیب نوشته شود.

۳- حکام کل و جرعو معاونین آنها در قلمرو مأموریت خود. پیشنهاد آقای شیروانی بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۳ اضافه شود: ۴- اعضاء انجمن نظارت به پیشنهاد سلطان العلماء.

دوره پنجم

مقام منبع ریاست جلیله بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۳ علاوه شود. اعضاء انجمن نظارت پیشنهاد سر کشیکزاده بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۳ باین ترتیب نوشته شود: ماده - کسانی که بواسطه شغل و مقام از انتخاب شدن محروم هستند:

(۱) وزراء و معاونین آنها در زمان انتخاب در کلیه مملکت. (۲) مدیران وزارتخانه ها و دوائر دولتی در حین تصدیق (۳) حکام کل و جرعو معاونین آنها

و رؤسای کلیه دوائر دولتی در قلمرو مأموریت خود الخ. پیشنهاد آقای حاج سیدالمحققین بنده پیشنهاد میکنم:

ماده ۱۳ بترتیب ذیل اصلاح شود. کسانی که بواسطه شغل و مقام از انتخاب شدن محرومند ۱- اهل نظام بری و بحری مستخدمین امنیه و نظمی. دوم - حکام کل و جرعو معاونین آنها در قلمرو مأموریت خود. سوم شاهزادگان بلا فصل الی آخر پیشنهاد ساکینان بنده پیشنهاد میکنم فصل سوم بماده واحده ذیل تبدیل شود.

هر انتخاب کنند میتواند انتخاب شود بشرط این که سواد داشته باشد و کمتر از بیست و پنج سال داشته باشد. پیشنهاد آقای عراقی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده سیزده نوشته شود انتخابات شونده باید لااقل دو سال در محل انتخاب بوده باشد. عراقی.

رئیس - ماده چهارده - آقای یاسانی (اجازه) یاسانی - برای تشکیل انجمنهای نظارت یک ترتیبی داده شده که بقیده بنده بدتراز ترتیب سابق است.

اینجا نوشته است در ولایات باختلاف ازسی تا صد نفر از مرفوفین و معتمدین طبقات مختلفه را حکومت دعوت میکند و هیجده نفر از مابین آنها برای مخفی انتخاب و بعد هم ۹ نفر از میان این هیجده بچکم قرعه انتخاب میشوند که آن ۹ نفر انجمن نظارت هستند.

همه آقایان میدانند که در ولایات و در مرکز اشخاصی که طرف اعتماد موم باشند غالباً محل اعتماد شخص هستند و در قسمت اول که میگردد صد نفر دعوت و از میان آنها هیجده نفر انتخاب شوند به قیده بنده با این ترتیب نتیجه مطلوب حاصل نمیشود و البته ما بین صد نفر که هیجده نفر انتخاب شوند معلوم است چه اشخاصی انتخاب میشوند و همانطوریکه سابق در میان طبقه علماً یک

نفر را خود علماً انتخاب میکردند و در میان تجاریک نفروز میان سایر طبقات هم یک نفر انتخاب میشدند خیلی سهل و ساده تر بود و بهتر نتیجه مطلوب بدست میآمد. ولی این ترتیب که مثلاً در فزویین صد نفر دعوت میکنند در صورتیکه معلوم نیست که آیا این صد نفر طرف اعتماد موم هستند یا نه و آنوقت از میان آنها هیجده نفر را برای انتخاب کنند و تازه آیا اکثریت که پیدا میشود کافی باشد یا نباشد و چقدر عادل بگردد اینها هیچ ممکن است در همان دعوت اولیه دو ماه معطل کنند و انتخابات را عقب بیندازند و بلاوه آن ۹ نفر را که انتخاب میکنند باقرعه است و کرو کرو است و هیچ حالیش نیست و باین ترتیب اکثریت نظارت از یک اشخاصی خواهد شد که طرف اعتماد عامه نیستند و اینهم چیز غریبی میشود و ببقیده بنده همان ترتیب سابق بهتر است یعنی علماً و سایر طبقات هر کدام یک نفر را انتخاب کنند و البته در این صورت همیشه سعی میکنند که اشخاص برجسته را انتخاب و کسانی باشند که صلاحیت و امانتشان معزز باشد و طرف اعتماد عموم باشند این است که این ترتیب علاوه بر این که انتخابات را بشوین خواهد نداشت در نتیجه این ۹ نفری که از میان هیجده نفر باقرعه انتخاب میشوند ممکن است یک اشخاص غیر صالحی باشند و همانطوریکه عرض کردم ببقیده بنده ترتیب سابق بهتر است و بنده با این ترتیب مخالقم.

مخبر - نماینده معتمرا اگر این ماده را با ماده قانون پیش کامل مطالعه میفرمودند تصور میکنم کمتر اعتراض میفرمودند زیرا ممکن است یک وقت حکومت یک آدم خوبی باشد و نخواهد اعمال نفوذ بکند و علماء و ملاکین مراجعه کند ولی قانون سابق فقط اختیار داده است به حکومت که بالاخره بترتیبی که در این ماده نوشته شده فقط حاکم حق داشته باشد یک دعوتی بکند کافی نیست و در هیچ جای این قانون بنده نمی بینم که ذکر شده باشد وزارت مر موطنه دخالت در امر انتخابات بنمایند و البته در همان حالی که ممکن است مأمورین دولت اعمال نفوذ بکنند ممکن است متنفذین محلی هم اعمال نفوذ بنمایند و باید قانون را طوری نوشت که مأمورین دولت نتوانند از قدرت و نفوذ دولت استفاده بکنند ولی بتوانند یک قدری هم از نفوذ متنفذین بکاهند و الا همینطور میماند و انتخابات را اطرافش را بتر اشیم چیز غریبی میشود و بنده این ماده را غیر عملی میدانم. زیرا اولاً در این ماده فقط میگوید ازسی نفر تا صد نفر دعوت میکنند ولی معین نکرده است که درجه شهری صد نفر و در چه شهرتی صد نفر باشد و اینها باید باشد. مثلاً در اصفهان سی نفر را انتخاب

نفر را خود علماً انتخاب میکردند و در میان تجاریک نفروز میان سایر طبقات هم یک نفر انتخاب میشدند خیلی سهل و ساده تر بود و بهتر نتیجه مطلوب بدست میآمد. ولی این ترتیب که مثلاً در فزویین صد نفر دعوت میکنند در صورتیکه معلوم نیست که آیا این صد نفر طرف اعتماد موم هستند یا نه و آنوقت از میان آنها هیجده نفر را برای انتخاب کنند و تازه آیا اکثریت که پیدا میشود کافی باشد یا نباشد و چقدر عادل بگردد اینها هیچ ممکن است در همان دعوت اولیه دو ماه معطل کنند و انتخابات را عقب بیندازند و بلاوه آن ۹ نفر را که انتخاب میکنند باقرعه است و کرو کرو است و هیچ حالیش نیست و باین ترتیب اکثریت نظارت از یک اشخاصی خواهد شد که طرف اعتماد عامه نیستند و اینهم چیز غریبی میشود و ببقیده بنده همان ترتیب سابق بهتر است یعنی علماً و سایر طبقات هر کدام یک نفر را انتخاب کنند و البته در این صورت همیشه سعی میکنند که اشخاص برجسته را انتخاب و کسانی باشند که صلاحیت و امانتشان معزز باشد و طرف اعتماد عموم باشند این است که این ترتیب علاوه بر این که انتخابات را بشوین خواهد نداشت در نتیجه این ۹ نفری که از میان هیجده نفر باقرعه انتخاب میشوند ممکن است یک اشخاص غیر صالحی باشند و همانطوریکه عرض کردم ببقیده بنده ترتیب سابق بهتر است و بنده با این ترتیب مخالقم.

مخبر - نماینده معتمرا اگر این ماده را با ماده قانون پیش کامل مطالعه میفرمودند تصور میکنم کمتر اعتراض میفرمودند زیرا ممکن است یک وقت حکومت یک آدم خوبی باشد و نخواهد اعمال نفوذ بکند و علماء و ملاکین مراجعه کند ولی قانون سابق فقط اختیار داده است به حکومت که بالاخره بترتیبی که در این ماده نوشته شده فقط حاکم حق داشته باشد یک دعوتی بکند کافی نیست و در هیچ جای این قانون بنده نمی بینم که ذکر شده باشد وزارت مر موطنه دخالت در امر انتخابات بنمایند و البته در همان حالی که ممکن است مأمورین دولت اعمال نفوذ بکنند ممکن است متنفذین محلی هم اعمال نفوذ بنمایند و باید قانون را طوری نوشت که مأمورین دولت نتوانند از قدرت و نفوذ دولت استفاده بکنند ولی بتوانند یک قدری هم از نفوذ متنفذین بکاهند و الا همینطور میماند و انتخابات را اطرافش را بتر اشیم چیز غریبی میشود و بنده این ماده را غیر عملی میدانم. زیرا اولاً در این ماده فقط میگوید ازسی نفر تا صد نفر دعوت میکنند ولی معین نکرده است که درجه شهری صد نفر و در چه شهرتی صد نفر باشد و اینها باید باشد. مثلاً در اصفهان سی نفر را انتخاب

معیین میکنند که این هیجده نفر مخصوصاً و منحصر از این صد نفر انتخاب نمیشوند از اشخاص خارج هم میخوانند انتخاب کنند و دیگر اینکه میگوید اگر چند نفر استعفاء کردند آنوقت باقرعه از میان آن نه نفر یک نفر باقی مانده انتخاب میکنند و کمیسیون این طور تصور کرد که این راه عملی تر است و برای جلوگیری از نفوذ حاکم هم این ترتیب بهتر است و حالا اگر طرز دیگری بنظر آقا رسیده است پیشنهاد بفرمایند کمیسیون م قبول خواهد کرد.

رئیس - آقای طهرانی (اجازه) شیروانی - بنده اصلاً نمی دانم آقایان از روی چه ماخذ این ماده را نوشته اند و در کجای دنیا سابقه داشته است که انجمن نظارت اینطور انتخاب شود؟ برای اینکه ما بالاخره حکومت مشروطه مان را از جاهای دیگر تقلید کردیم و البته باید قوانین آنها را هم در نظر بگیریم و ببینیم انتخابات آنها را کی انجام میدهند و البته در ماده قبل هم اگر فرصت بنده رسیده بود در قسمت جلوگیری از نفوذ مأمورین دولت عریضی عرض میکردم و معتقدم که باید بیشتر از اینها مراقبند و معصوم کرد.

و آن ماده را خیلی کم میدانم برای معانیت از نفوذ مأمورین دولت ولی در عین حال وقتی که مافائل شدیم بانیکه مأمورین دولت حق ندارند انتخابات شوند آنوقت از حق مشروعشان که نظارت در انتخابات و در حقیقت انجام امور انتخابات است محروم میکنیم.

بالاخره بترتیبی که در این ماده نوشته شده فقط حاکم حق داشته باشد یک دعوتی بکند کافی نیست و در هیچ جای این قانون بنده نمی بینم که ذکر شده باشد وزارت مر موطنه دخالت در امر انتخابات بنمایند و البته در همان حالی که ممکن است مأمورین دولت اعمال نفوذ بکنند ممکن است متنفذین محلی هم اعمال نفوذ بنمایند و باید قانون را طوری نوشت که مأمورین دولت نتوانند از قدرت و نفوذ دولت استفاده بکنند ولی بتوانند یک قدری هم از نفوذ متنفذین بکاهند و الا همینطور میماند و انتخابات را اطرافش را بتر اشیم چیز غریبی میشود و بنده این ماده را غیر عملی میدانم. زیرا اولاً در این ماده فقط میگوید ازسی نفر تا صد نفر دعوت میکنند ولی معین نکرده است که درجه شهری صد نفر و در چه شهرتی صد نفر باشد و اینها باید باشد. مثلاً در اصفهان سی نفر را انتخاب

و حتی راجع بجدول ما اطلاعات وزارت داخله را ماخذ قرارداد ایم که با اطلاعات و نظریات آقایان ضمیمه نمایم و اینکه میفرمایند باید مراجعه کرد بقوانین سایر ممالک عرض میکنم که ما شین های سایر ممالک منظم تر است و ما تازه به کار افتاده ایم.

و حتی راجع بجدول ما اطلاعات وزارت داخله را ماخذ قرارداد ایم که با اطلاعات و نظریات آقایان ضمیمه نمایم و اینکه میفرمایند باید مراجعه کرد بقوانین سایر ممالک عرض میکنم که ما شین های سایر ممالک منظم تر است و ما تازه به کار افتاده ایم.

در قانون سابق نوشته بودیم سه نفر از اعضاء انجمن ولایتی و چهار نفر در طبقات مختلفه. ولی چون دیدیم انجمنهای ایالتی کمتر تشکیل میشوند و فقط همان دوره اول مشروطیت این انجمنها تشکیل شد و بعد از نظرها معروضه و قانون آنها در واقعها ماند.

با اضافه يك احصایه نفوس صحیحی هم که در این مملکت نیست که بلدی را مباشر اینکار کنیم. این بود که این ترتیب قراردادیم و بیشتر نظریه کمیسیون این بوده است که جلوگیری از نفوذ حکومتها بشود و نتوانند اعمال نظری در امر انتخابات بنمایند. و البته اینکه درجه شهری سی نفر باید باشد و درجه شهری صد نفر اینهم از وظایف حکومت است و باید او معین کند و ما هم

بیشتر از این نتوانستیم محدود کنیم. و البته اگر آقایان یک طریق مالیتری بنظرشان میرسد که بیشتر از این محدود میکنند آنها را پیشنهاد کنند کمیسیون هم با کمال امتنان میپذیرد.

رئیس - آقای ضیاءالدین (اجازه)

ضیاء الواعظین - نملا مرضی ندارم.

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - بنده در خاطر دارم که در دوره چهارم علت اینکه فرار شد تجدید نظر در قانون انتخابات شود دو چیز بود.

یکی اینکه بعضی نواقص داشت که آنها را بخواستند اصلاح کنند و از جمله چیزی که فوق العاده محل توجه و نظر آقایان بود همین مسئله جلوگیری از اعمال نفوذهایی که ممکن است در امر انتخابات شود بود.

و همان شکایاتی که در دوره چهارم از اعمال نفوذها در انتخابات میرسد آقایان را وادار کرد بانیکه تجدید نظر در قانون انتخابات بکنند.

علت دیگر مسئله بطاوع جریان انتخابات بود که خواستند یک ترتیبی بکنند که قدرت و طفره هائی مابین مجلسها واقع نشود.

ولی در این ماده بخصوص عکس العمل است و مخالف با آن نظریه سرعت جریان انتخابات است و بنده در ماده قبل که حالا مطرح نیست از باب نظیر و مثال عرض میکنم در اینجا قدری جلوگیری از اعمال نفوذها شد و بنده هم در قسمت وزارت مخالف بودم و در سایر قسمتهایش موافق بودم ولی در این ماده مخالفم و فیر عملی میدانم.

برای خاطر اینکه این ماده بطاوع جریان انتخابات را تأیید میکند. زیرا در این ماده چهارده میگوید در مراکز حوزه انتخابیه مطابق جدولی که منضم باین قانون است حکومت برای تعیین انجمن نظارت بمناسبت استعداد محل از سی الی صد نفر از مرفوفین و معتمدین طبقات مختلفه را که دارای شرائط انتخاب شدن باشند دعوت می نمایند ( و باید دو نلش که حاضر شد) مدعوین در همان مجلس دو مقابل عده ای که برای انجمن نظارت لازم است از بین خود یا اشخاص خارج در تحت نظر حاکم یا نماینده او برای مخفی انتخاب بنمایند.

(حالا عبارتش هم سلبی نیست که چه چیز را انتخاب میکند آن یک موضوعی است ولی بنده در اصل مطلب عرض می کنم) سپس منتخبین عده لازم را از بین

خود بعهده فرمایند... نظارت معین مینمایند در انتخاب مزبور حضور دولت از مدعوین کافی خواهد بود... اینجانب اولاً همانطور که عرض کردم از سوی نقره‌ای صد نفر را انتخاب میکنند...

اجرا کرد... زیرا اینجا ایران هست و اخلاقیاتش دارد و باید تمام کارهایش مطابق با تریبانت زنده گایش باشد... اینجانب اولاً همانطور که عرض کردم از سوی نقره‌ای صد نفر را انتخاب میکنند...

محل... پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا - بر حسب اعلان منتشر از طرف حکومت محل در مدت ده روز هر يك از طبقات مردم مرکز انتخابیه که عبارت از علماء و ملاکین و تجار و اصناف باشند از هر طبقه پنج نفر را بین خودشان معین میدانند... پیشنهاد آقای محمد علی طهرانی... پیشنهاد آقای یاسانی... پیشنهاد آقای یاسانی... پیشنهاد آقای یاسانی...

این ماده یاد رقب این ماده بک ماده نوشته شد که حکام چه مسؤولیتی دارند والا نوشتن اینکه مسؤول انتخابی دارند و الا بعقیده بنده کافی نیست... پیشنهاد آقای یاسانی... پیشنهاد آقای یاسانی... پیشنهاد آقای یاسانی... پیشنهاد آقای یاسانی...

رئیس - آقای راجع باین ماده نیست طهرانی - این بلافاصله را معین کنند که انجمن نظارت پس از انتخابات بلافاصله در محلی که برای خود اختیار نموده جمع و در تحت ریاست مسن ترین اعضاء خود يك نفر رئیس و يك نفر نایب رئیس و بقدر لزوم منشی انتخاب خواهند کرد... پیشنهاد آقای یاسانی... پیشنهاد آقای یاسانی... پیشنهاد آقای یاسانی...

آنها مؤاخذه کند؟ این است که بنده عقیده دارم این ماده باید اصلاح شود... پیشنهاد آقای یاسانی... پیشنهاد آقای یاسانی... پیشنهاد آقای یاسانی... پیشنهاد آقای یاسانی...

دست غیب - عرضی ندارم... پیشنهاد آقای یاسانی... پیشنهاد آقای یاسانی... پیشنهاد آقای یاسانی... پیشنهاد آقای یاسانی...

برای بلو کاتی که اطراف سرخس هستند مثلا انجمن نظاری که در محله آباد در جز تشکیل میدهند آن انجمن هارا انتخاب کنند... پیشنهاد آقای یاسانی... پیشنهاد آقای یاسانی... پیشنهاد آقای یاسانی... پیشنهاد آقای یاسانی...

مجلس نشده است.  
رئیس- آقای ضیاءالواعظین (اجازه)  
ضیاءالواعظین - عجلاناً عرضی ندارم.  
رئیس- آقای دست غیب (اجازه)  
دست غیب- بنده عقیده ام این است که اولاً این ماده اینجا محل ندارد برای اینکه انجمن های نظارت مرکزی مکلفند مطابق جدول منضم بقانون اقدام به تشکیل انجمن های فرعی نموده و جدول هنوز معلوم نیست که موضوع چیست؟  
و ترتیب انتخابات از روی جدول چیست یا هر جا چند نماینده باید داشته باشد این یک جهت مخالفت بنده یکی این است که نوشته متصدی و مسئول امر انتخابات محل خود باشند.  
بنده در این ماده هم خواستم عرض کنم که متصدی و مسئول صحت جریان انتخابات را بطور می شود انجمن نظارت قرارداد برای اینکه انجمن نظارت مستخدم دولت نیست که مسئول باشد فقط یک مسئولیت اخلاقی دارد و این مسئولیت را گمان میکنم نشود در قانون گنجانید که اعضاء انجمن مسئولیت قانونی دارند در صورتیکه مسئولیت آنها مسئولیت اخلاقی است فرض کنیم از اعضاء انجمن گفتند تشریف بیاورید و نیامد گفتند می آید یا خیر.  
جواب هم نداد.  
آیا چه فلسفه ای گفته است که حتماً باید او را آورد.  
پس مسئولیت برای انجمن نظارت مرکزی چه اصلی و چه فرعی منطق ندارد مگر اینکه بکنفر از اشخاصی که مسئول دولت است او را مسئول صحت جریان انتخابات قرار داد که صحت یا عدم صحت با او نسبت داد و الا مسئولیت انجمن نظارت چه جزئی و اصلی وجه فرعی منطق ندارد.

مخبر - چون مسئله مسئولیت اینجا صحبت میشود عرض میکنم.  
مسئله انتخابات از وظایف ملی است و هر کس در حدود دخالتی که دارد مسئولیت دارد بنده که بکنفر از انتخاب کنندگان هستم اگر یک تقلبی کردم در انتخابات و مثلاً دو دفعه رای دادم یا تهدید و تطمیع کردم یک مسئولیتی متوجه من است و مستحق مجازات هستم.  
نظاره در حدود اختیاراتی که دارند بایستی از مفاد قانون تغلف نکنند و البته مسئولیت دارند و هر کدام تظلی در اجرای قانون کردند باید تعقیب شوند و مؤاخذه شوند و مأمورین وزارت داخله هم برای اجرای او را نظار مسئولیت دارند بنا بر این گمان میکنم این ماده اشکالی نداشته باشد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب ( اجازه )  
آقا سید یعقوب - بنده موافقم رئیس - آقای وکیل الملک ( اجازه )  
وکیل الملک - مخالفت بنده باین ماده در این کلمه (مکلفند) است.  
البته نقطه نظر آقایان این بوده که از انجمن نظار یا متصدیان انتخابات جلوگیری شود که مباداً انجمن فرعی نخواسته باشند تشکیل دهند ولی یک اشکال دیگر در عمل پیش می آید و در دوره های سابق هم سابقه داشته و آن اینست که در بعضی جاها یک موازن و مقتضایاتی پیش می آید که حالا نمیخواهم آنها را عرض کنم.  
و آقایان متذکر هستند و بنا بر آن مقتضیات همان انجمن نظار یا حکومت مقتضی نمیداند یک شبه در آنجا باشد و این قانون اشکال پیش می آورد.

مخبر - راه حلی را که نماینده محترم بنظرشان میرسد بنویسند و بدهند بکمیسیون کمیسیون هم بدیوی است قبول میکند (گفته شد مذاکرات کافی است) رئیس- پیشنهادی رسیده است قرائت میشود.  
( اینطور قرائت شد )  
پیشنهاد آقای یاسائی - بنده بصره ذیل را پیشنهاد میکنم بماده ۱۸ اضافه شود بصره ۲ هر گاه دو یا چند ولایت یک حوزه انتخابیه را تشکیل دهند در مرکز ولایتی انجمن نظارت اصلی مطابق ماده ۱۴ تشکیل میشود که انجمن های فرعی آن ولایت را بموجب جدول منضم باین قانون معین نموده متصدی و مسئول صحت انتخابات آن ولایت است و صورت مجلس آن را بانجمن نظارت مرکزی ارسال میدارد  
پیشنهاد ساکنین - بنده پیشنهادی کنم (۱) ماده ۱۸ اینطور اصلاح شود ماده ۱۸- انجمن نظارت مرکزی مکلف است قبل از انتشار اعلان و داخل شدن در کار و مطابق جدول منظم بقانون اقدام بشکلی انجمن های فرعی کلیه حوزه انتخابیه نماید بترتیبی که انتخابات تمام حوزه در یک روز معین شروع و در یک روز معین ختم شود بعد از تشکیل دادن تمام حوزه انتخابیه داخل در عمل بشود.

رئیس - ماده ۱۹ - آقای یاسائی ( اجازه )  
یاسائی- عرضی ندارم رئیس - آقای تهرانی  
تهرانی- عرضی ندارم.  
رئیس - آقای شیروانی ( در مجلس نبودند )  
رئیس - آقای ضیاءالواعظین ( اجازه )  
ضیاءالواعظین- عرضی ندارم رئیس - آقای دست غیب  
دست غیب- عرض ندارم رئیس- آقای کازرونی ( اجازه )  
کازرونی- بنده موافقم رئیس - آقای مشار اعظم ( اجازه )  
مشار اعظم - این ماده اشاره میکند که نقاطی که در جدول پیش بینی نشده باشد انجمن نظار با نظر حکومت میتواند انجمن فرعی تشکیل دهد.  
اگر چنانچه یک ترتیبی میکروند و با اختیار وزارت داخله واگذار میکروند بهتر بود.

برای اینکه غالباً دیده شده است که در بعضی نقاط حکام تشکیل داده اند و یک جهات خاصه را در نظر گرفته اند.  
بنابر این ضرر ندارد نظار وزارت داخله هم جلب بشود.  
مخبر - این نظری را که ایشان دارند کمیسیون هم بدیوی است قبول میکند (گفته شد مذاکرات کافی است) رئیس- پیشنهادی رسیده است قرائت میشود.  
( اینطور قرائت شد )  
پیشنهاد آقای یاسائی - بنده بصره ذیل را پیشنهاد میکنم بماده ۱۸ اضافه شود بصره ۲ هر گاه دو یا چند ولایت یک حوزه انتخابیه را تشکیل دهند در مرکز ولایتی انجمن نظارت اصلی مطابق ماده ۱۴ تشکیل میشود که انجمن های فرعی آن ولایت را بموجب جدول منضم باین قانون معین نموده متصدی و مسئول صحت انتخابات آن ولایت است و صورت مجلس آن را بانجمن نظارت مرکزی ارسال میدارد  
پیشنهاد ساکنین - بنده پیشنهادی کنم (۱) ماده ۱۸ اینطور اصلاح شود ماده ۱۸- انجمن نظارت مرکزی مکلف است قبل از انتشار اعلان و داخل شدن در کار و مطابق جدول منظم بقانون اقدام بشکلی انجمن های فرعی کلیه حوزه انتخابیه نماید بترتیبی که انتخابات تمام حوزه در یک روز معین شروع و در یک روز معین ختم شود بعد از تشکیل دادن تمام حوزه انتخابیه داخل در عمل بشود.

زیرا در بلوکی که فرضاً سه چهارم قرینه است بواسطه بعد مسافتی که با مرکز انتخابیه بیست فرسخ سی فرسخ فاصله دارد و باید انجمن فرعی تشکیل دهند و در آنجا اشخاص باسواد پیدا میشوند که سی نفر حداقل باشند که صلاحیت انتخاب شدن را داشته باشند و آن ها را بیاورند بر برای انجمن انتخاب کننده در اینجا یک مشکلاتی فراهم می شود.  
در صورتی که باید انجمن های مرکزی بعقیده بنده انجمن های فرعی را کاملاً بشناسند و آنها را بنظر خودشان انتخاب کنند و تشخیص بدهند والا نایب الحکومه محل در جاهای دور دست در جاهایی که دسترسی بجائی ندارند در آنجا سی نفر را به ترتیبی که در ماده چهارده مقرر است انتخاب کنند.  
بنظر بنده عملی نمی آید و مشکلاتی هم تولید میشود.  
مخبر - این ماده را اگر مطالعه فرموده بودند یک جمله از اعتراضاتشان را نمی فرمودند منبوسه هر گاه در محل اشخاصی که دارای شرایط انتخاب شدن باشند بنده کافی نباشد متذکرین انجمن را از اشخاصی که شرایط انتخاب کردن را داشته باشند تکمیل می نمایند و بدیهست در هر محلی صد نفر هست که شرایط انتخاب شدن با انتخاب کردن را داشته باشند (جهتی از نمایندگان گفته اند مذاکرات کافی است)  
رئیس - اگر تصویب میفرمائید بقیه مذاکرات بمآند برای هفته آتی.  
بعضی از نمایندگان - صبح است.

رئیس - آقای عدل الملک ( اجازه )  
عدل الملک - دستور معین می فرمائید؟  
رئیس - خیر، سؤالات از وزراء است.  
عدل الملک - بنده در دستور عرض دارم.  
رئیس - آقای آقا میرزا شهاب ( اجازه )  
آقا میرزا شهاب - بنده در دستور عرض دارم.  
رئیس - آقای کازرونی ( اجازه )  
کازرونی - عرضی ندارم.  
رئیس - آقای اشکر ( اجازه )  
اشکر - در دستور عرض دارم.  
رئیس - آقای دست غیب ( اجازه )  
دست غیب - در دستور عرض دارم.  
رئیس - کسی سؤالی ندارد؟  
افشار - بنده سؤالی دارم.  
بعقیده بنده این ترتیب عملی نیست

رئیس - بفرمائید.  
افشار - در بیست و هشتم عقرب از وزارت مالیه راجع باعانه اربوبه و یوطی یک عباسی محمولات سؤالی کرده بودم استدعا میکنم وزارت مالیه تذکر داده شود که برای جواب سؤال بنده حاضر هوند.  
رئیس - حالا که حاضر نیستند، آقای محمد ولی میرزا ( اجازه )  
شاهزاده محمد ولی میرزا - بنده سؤالی از آقای وزیر فواید عامه داشتم.  
یک نفر از نمایندگان - ایشان هم که نیستند.  
رئیس - آقای رهنما ( اجازه )  
رهنما - بنده سؤالی راجع بکمیانی کیتانه فرانسوی از وزارت پست و تلگراف دارم اگر برای جواب حاضرند عرض کنم.  
وزیر پست و تلگراف - مطلیش رفته است وزارت مالیه هنوز جوابی از طرف مالیه نرسیده است هر وقت جوابی رسیده عرض میکنم.  
رئیس - آقای دولت آبادی ( اجازه )  
حاج میرزا یحیی دولت آبادی آقایان میدانند که مسئله حسن جریان پست چقدر در امر اقتصادیات و تجارت مدخلیت دارد.  
در دوره های استبداد قبل از مشروطه پست اصفهان و طهران در مدت سهالی چهار روز آمدورفت میکرد در صورتی که در آنوقت نه انومبیل ونه مثل حالا وسائل نقلیه بود.  
در این اواخر مخصوصاً از سال گذشته باین طرف غالباً پست دچار وقفه و تعطیل میشود.  
مسافر از اینجا باصفهان بیست و چهار ساعت میرود یک شب هم در راه می خوابد و بیشتر از چهارده یا نوزده ساعت در راه هست ولی پست ده یا نوزده روز طول میکشد تا از اینجا باصفهان برود.  
مسافرین هم که نمی توانند کاغذ و پاکت را ببرند.  
مطالب مردم همینطور دچار وقفه و معطلی شده است گاهی اتفاق می افتد که مسافر از اینجا باصفهان میرود و بر میگردد در صورتیکه هنوز کاغذ پست بمقصود نرسیده است.  
سؤال بنده از وزارت پست و تلگراف این بود که برای خاتمه دادن باین ترتیب و اتحاد یک ترتیب جدیدی با موجود بودن همه گونه وسائل نظامی و غیر نظامی فکری کرده اند یا نه؟ که اقلاً حالا که پست باقتضای ایاب و ذهاب امروزه حرکت نمیکنند به

اقتضای زمان استبداد و دوره های گذشته و آن یا بمرورده های آن دوره حرکت کند.  
غرض از سؤال بنده این بود که خواستم بدانم چه خیالی برای تسریع پست دارند؟  
وزیر پست و تلگراف - مشغول اصلاح این کارها هستیم. انشاءالله بزودی اصلاح شده و ترتیب راحتی خیال آقایان و همه مردم فراهم خواهد آمد.  
وزیر عدلیه - پیشنهاد راجع بپست اسناد را تقدیم مجلس شورای ملی میکنم.  
رئیس - آقای امیراعلم ( اجازه )  
امیراعلم - سؤال بنده راجع بامور صحیحی است از وزارت داخله.  
البته همه آقایان میدانند و اهمیت امور صحیحی بقدری واضح است که محتاج شرح نیست و فقدان وسائل صحیحی در نظر همه آقایان مکشوف است.  
بنده خیلی خوشوقتیم که در مجلس پنجم بر خلاف ادوار سابق آقایان نمایندگان محترم عموماً یک علاقه مندی خاصی نسبت به امور صحیحی اظهار و ابراز میدارند. و این اولین دفعه است که نسبت بامور صحیحی اظهار علاقه مندی میشود.  
در مجلس دوم هم تا اندازه در امور صحیحی غذا کرده شد و در نتیجه رأیی که مجلس دوم داد موافقت کثیره نصیب مردم و مملکت گردید.  
و آن راجع بمسئله آبله کوپی است. در آن وقت از روی یک احصائیه هائی که ما قریب دوپست هزار نفر عده تلفات آبله بود.  
که از این عده صد هزار نفر تلفات و پنجاه هزار نفر اشخاصی بودند که در نتیجه آبله بعضی اعضا ضامن مخصوصاً از چشم معیوب و زائمی میشدند و پنجاه هزار نفر دیگر مبتلا بمرض سل میشدند.  
زیرا مرض آبله مزاج انسان را برای سل مستعد و حاضر میکند.  
در نتیجه این اقدام خیرخواهانه مجلس دوم که یکی از یادگارهای تاریخی آن دوره است ما توانستیم تا حدی از آبله حالا وقتی که گفته یا شنیده میشود که در فلان ولایت هزار نفر طفل تلف شده اند خیلی این مسئله را با تعجب تلقی میکنم.  
در صورتیکه آنوقت دوپست هزار نفر تلف میشدند.  
در دنیای امروزه هم صحیحه یک اهمیت فوق العاده پیدا کرده ملاحظه بفرمائید در مجمع اتفاق ملل و پارلمانها حتی در کنفرانس لوزان هم راجع بامور صحیحی مذاکره میشود و اگر آقایان بر ایورت و مجمع ملاحظه بفرمائید می بینید یک فصل مشیحی راجع بامور صحیحی است پس ناچاریم که انشاءالله برخلاف سابق امور صحیحی خودمان را کاملاً مرتب نمائیم.  
بعقیده بنده امور صحیحی در مملکت ما برد و

قسمت عده منقسم میشود یکی امور صحیحی سرحدی دیگری امور صحیحی داخلی عرض کردم که امور صحیحی در دنیای امروزه خیلی اهمیت پیدا کرده و از این نقطه نظر همانطور که امور صحیحی در دنیای امروزه یک استقلال صحیحی هم ایجاد شده است و باید هر مملکت در حدود خودش راجع به امور صحیحی یک اقدامات لازمی بکند تا حاکمیت خود را راجع بامور صحیحی در سرحدات و تمام مملکت مستقر نماید. مسئله صحیحی سرحدات خیلی مهم است. از این جهت ناچاریم سرحدات خودمان را از حیث امور صحیحی خیلی مجهز بداریم.  
اما راجع بامور صحیحی داخلی، این هم بدو قسمت تقسیم میشود  
یکی امور صحیحی شهرها و دیگری امور صحیحی بلوکات و دهات.  
امور صحیحی دهات و بلوکات هم مثل امور صحیحی سرحدات راجع است بصبغه کل مملکتی ولی امور صحیحی شهرها راجع است بلدییه ها و متأسفانه تا کنون در ولایات و ایالات اگر بلدییه ها یک بودجه برای خودش ترتیب داده اند امور صحیحی را در آنهمه چیز قرار داده اند یعنی اگر یک مازادی پیدا کرده اند آنرا گفته اند حقوق طبیب یا دوا باشد.  
در صورتیکه بعقیده بنده بلدییه ها باید امور صحیحی را در سر لوجه بودجه خودشان بنویسند.  
ایشنت که بنده با کمال احترام از نماینده محترم وزارت داخله سؤال میکنم که آیا وزارت داخله تعلیمات لازمه بأمورین خودش در ایالات و ولایات داده است که بلدییه های هر شهری امور صحیحی را در سر لوجه بودجه خودشان قرار بدهند یا خیر؟ و از اول سال جدید امور صحیحی شهرها تا اندازه که ممکن باشد تأمین خواهد شد یا خیر؟  
معاون وزارت داخله - البته اهمیت امور صحیحی خیلی زیاد است و همینطوریکه فرمودند بایستی همیشه مورد توجه دولت باشد (چنانچه حالا هم است) و اقداماتی که امساله از طرف دولت برای توسعه امور صحیحی بعمل آمده است بخوبی نشان میدهد که دولت کمال اهمیت را باین موضوع داده است و همانطور که فرمودند در شهرها مسئله صحیحی مربوط بلدییه ها است و یک قسمت از اقدامات مهم بلدییه ها همین است که بامور صحیحی اهمیت بدهند و الا ن هم در هر نقطه که هایدات مکفی باشد حقوق طبیب صحیحی را میدهند و هیچ مضائقه در آن خصوص نشده است  
که هر بلدییه یک طبیب صحیحی داشته باشد.  
ولی البته این ترتیب فقیر کافی است و هر وقت بلدییه ها یک منبع عایدی پیدا کردند یک اقدامات محتری در امور

صحیحی خواهد شد  
زیرا امروزه در ولایات و اوائل بلدییه ها منحصر است بپارویش نواقل که آن هم پس از وضع مخارج هایدانش خیلی کم است باین جهت بنده نمیتوانم تمهد کنم که در بودجه بلدییه ها راجع بامور صحیحی آنطور که لازم و درخور است مخارج را رعایت کنیم ولی در عین حال حتی المقدور مسئله صحیحی را رعایت میکنیم دستور میدهد هر قدر که ممکن شود بصرف امور صحیحی برسانند.  
مخارج بلدییه ها بیشتر مربوط است به - تنظیم و تنویر معابرو با این حال بقدری که ممکن باشد باید مصارف صحیحی را هم در نظر گرفت  
ولی هنوز بلدییه ها نتوانسته اند اقدامات خودشان را بواسطه نبودن منابع عایدی توسعه و ادامه دهند  
ولی البته برای سال آتی بلدییه ها دستور داده خواهد شد تا کدیم میشود که برای مصارف صحیحی میلی را در بودجه خودشان منظور کنند.  
اما بطوری که عرض کردم این اقدام مربوط باین است که بلدییه ها عایدی پیدا کنند زیرا چنانچه عرض شد هایدات نواقل پس از وضع مخارج بقدری قبل است که کفایت مخارج عایدی را نمیکند چه رسد بمصارف صحیحی  
رئیس - آقای دست غیب ( اجازه )  
دست غیب - سؤال بنده از وزارت معارف بود.  
مدتی است که راجع ببدنر کاضمین و کربلا سؤال کرده ام خوبت حاضر شوند جواب بفرمائید.  
رئیس - آقای یاسائی  
( اجازه )  
یاسائی - چندی قبل بنده سؤالی وادام و تقاضا کردم وزارت عدلیه برای جواب حاضر بشوند.  
یکی از سؤالاتی که بنده کرده ام راجع بدم اجرای قانون امتحان است در عدلیه های ولایات.  
قانون امتحانی را که مجلس دوره چهارم گذرانیده برای این بوده است که قضاتی که چه در مرکز و چه در ولایات متصدی مشاغل هستند امتحان بدهند.  
مسئله قضاوت مثل سایر مشاغل دولتی نیست که بدون امتحان کسی بتواند متصدی آن بشود و ملا وصول مالیات چندان امتحانی لازم ندارد.  
اما در وزارت عدلیه عقیده بنده این است که قانون امتحان قضات را قبل از هر کاری باید اجرا نمود و باین کار مبادرت کنند.  
متأسفانه تا کنون در یک قسمتی از نقاط مملکت قضاة همانهائی هستند که بوده اند و بنده نمیدانم پس از امتحان حال

آنها چه خواهند شد.  
آنها حالا در مشاغل خودشان باقی و شاید يك درجات عاليه را هم داشته باشند در صورتیکه اگر امتحان بدهند آنگاه شاید تنزل کنند و يك اشخاص با معلوماتی جای آنها را بگیرند.

بنده خواستم سؤال کنم که آیا بموجب عدم اجرای قانون امتحان در هدلیه های ولایات چه بوده و آیا وزارت هدلیه اجرای این قانون امتحان را در تمام مملکت در نظر گرفته است یا نه؟

سؤال دیگر بنده راجع با ابلاغاتی است که غالب آقایان شاید دیده باشند که يك ابلاغاتی از طرف وزارت عدلیه صادر شده و غالبش هم با قوانین مصوبه مجلس شورای ملی متناقض است و این ابلاغات بدست قضاة داده شده است و اسباب زحمت برای آنها شده و شاید يك خصوصیات هم در صدور این ابلاغات در نظر بوده است بهر حال يك ابلاغات وزارتى از مر کز صادر شده و حکم کرده اند قضات در محاکم کز ولایات این ابلاغات را بمشابه قانون تلقی کنند و بپذیرند.

مثلا قراردادی مابین وزارت عدلیه و اوقاف شده است راجع بتعقیب متصدیان و متولیان اوقاف بترتیب مخصوص که شاید قانون آنطور اجازه نداده و این نظامنامه باعث شده است که معا کم دعاوی مدعی العموم را بر حسب تقاضای ادارات اوقاف می پذیرند و تعقیب میکنند و املاک مردم را توقیف میکنند و حکمی هم میستند این ابلاغات صادر میشود گاهی اتفاق می افتند که محکمه استیفاء نقض میکند زمانی هم تنفیذ را نقض مینماید و طبق مسئله ابلاغات اسباب زحمت برای مردم شده است.

من جمله ابلاغی راجع بدعاوی بیست ساله است که تقریباً يك مرور زمانی است و هنوز هم مجلس او را تصویب نکرده و چون اینطور است يك محکمه میگویی نظر باینکه مستند این مسئله جز يك ابلاغ چیز دیگری نیست.

لذا من دعاوی بیست ساله ارامی پذیرم و ای يك محکمه دیگری ترتیب اثر داده و نمی پذیرد.

آن وقت محکمه عالی نری حکم محکمه دانی را نقض میکند و این ترتیب اسباب زحمت است و غالب این ابلاغات برخلاف قوانین است که از کمیسیون مجلس گذشته است.

مثلا یکی از ابلاغات صادره راجع بودایع مردم است که در صندوق عدلیه می گذارند و قتیکه مردم می خواهند ودایع خودشان را مسترد بدارند عشر آن را کسر میکنند.

در صورتیکه هیچ همچو قانونی نیست

که وقتی مردم میخواهند ودایع خودشان را مسترد کنند عشر آن را کسر میکنند.  
حالا از این قبیل ابلاغات خیلی زیاد است که بنده میخواهم عرض کنم زیرا موجب تطویل کلام میشود.

يك كتاب بزرگی است که تمام ابلاغات وزارتى است بهر حال خواستم از آقای معاون یا وزیر عدلیه سؤال کنم که آیا در نظر دارند این ابلاغاتی که وجودشان لازم است بصورت قانونی در آورده و به مجلس بیاورند و آنهایی که بودشان ازومی ندارند و متناقص با قانون است اسامی آنها را بیاورند و متناقص با قانون است اسامی آنها را بیاورند و متناقص با قانون است اسامی آنها را بیاورند

چنانچه شاهزاده نصرت الدوله هم در زمان وزارت خودشان يك قسمت از این ابلاغاتی را که متناقض با قانون بود ملغی کردند.  
**معاون وزارت عدلیه.** راجع به سؤال اول عرض میکنم در قانون امتحان مقرر است که اشخاصیکه مقام ریاست ابتدائی یا مدعی العمومی یا مقامات بالاتر را دارند باید بیایند بر کز امتحان بدهند و اجرای این قانون نسبت بقضاتی که دارای این رتبه هاورتبه های بالا تر هستند در نظر گرفته شده و اکثر هم امتحان داده اند.

ولی نسبت بکسانی که در مرتبه پایین ترند همچو ترتیبی مقرر نیست و برای خیلی از نقاط از قبیل تبریز و اصفهان و شیراز و قزوین و زنجان يك کمیسیونهای امتحانیه از مر کز فرستاده شده است و اعضا امتحان داده اند و يك عمده دیگری هستند که در مر کز امتحان داده اند و بولایات مأمور شده اند.

فقط در بعضی جاها از قبیل قم و کاشان و یزد و کرمان و مشهد بواسطه فقدان وسائل مالی تاکنون وزارت عدلیه نتوانسته است مأمورین مخصوصی برای امتحان کردن بفرستد و البته مصارف این کار در بودجه سه آینه پیش بینی خواهد شد و این قانون متدرجاً تا اندازه که وسائل اجرایش فراهم بوده اجرا خواهد شد.

بعلاوه عمده زیادی هستند که بموجب قانون ازدادن امتحان معافند و الا نه هم در میان اجزاء و مستخدمین عدلیه شاید صدی ده نباشند که محتاج ببدان امتحان باشند.

صدی نود با امتحان داده اند با از دادن امتحان معافند.

راجع بقسمت ابلاغات وزارت عدلیه آطوریکه آقای یاسائی سوع تعبیر کردند و فرمودند مخالف با قانون است آنطور نیست.  
اینها يك نظامنامه هائی هستند که برای يك موضوعاتى وضع شده و البته برای تسهیل اجرای قانون يك دستورالعملهاى لازم بود باشخصیکه مأمور اجرای قانون هستند داده شود تا ادامه طریق شده باشد برای اشخاصیکه باید قانون را بموقع اجرا بگذارند و يك قسمت از این ابلاغات راجع بموضوعاتی است که اصلاً در آن باب قانونی نیست تا

موافقت داشته باشید با مخالفت در هر حال بنده عرض نمیکنم.  
در تمام قسمت ابلاغات يك چیزهائی نیست که تفاوت جزئی با قانون داشته باشد ولی در هر حال قانون اساسی تکلیف این مسئله را دین کرده و مطابق قانون اساسی نظامنامه های عمومی و دولتی را وقتى اجرا میکنند که مخالف با قانون نباشد و اگر معا کم عدلیه گاهی يك ابلاغاتی را اجراء نکرده اند بواسطه این است که خود قانون اساسی با آنها حق نظر داده است و مثلا مطابق و عدم مطابقت نظامنامه ها را بنا قانون بنظر قاضی و اگذار کرده است و این مسئله هم نظریست باین معنی که يك قاضی و با محکمه ممکن است يك نظامنامه را مخالف با قانون بداند و محکمه دیگر نداند و بالاخره حق حاکمیت هم با دیوانهائی تمیز است که هر نظری را تنفیذ و ابرام یا نقض ورد کند در مسئله راجع بقرار داد بین وزارت اوقاف و عدلیه هم در این موضوع لازم است عرض کنم این برای اجرای آن قسمت از قانون اصول معاکماتی است که بعدى العموم حق دخالت داده شده است که در مسائل وقفی در موقعی که متولی خاصی ندارد دخالت کند و در این موقع مدعی العموم میتواند اقدام دعوی کند و اینهم نظر بقاضای خود اوقات است.  
اما راجع بدعاوی بیست ساله که شرحی فرمودند این مسئله يك تاریخچه مفصلی دارد.

يك فرمانی از زمان ناصرالدین شادر این باب موجود است و بعلاوه يك تصویب نامه هائی هم از هیئت وزراء موجود است و خود وزارت عدلیه هیچوقت ابلاغی صادر نکرده و همینطور که عرض کردم دیوان تمیز در این باب نظر قضائی خودش را اعمال می کنند و اگر آن احکام را بر خلاف قوانین موضوعه ببینند نقص و اگر موافق صادر شده است ابرام خواهد کرد.  
وزارت عدلیه در این موضوع يك لایحه تهیه کرده است و بزودی تقدیم مجلس خواهد کرد.

اما راجع بگرفتن عشریه از ودایع مردم لازم است عرض کنم که از ودایع عشر موضوع نمیشود و این يك اطلاع بی اصلی است که با آقای یاسائی داده اند.  
فقط صدی يك از ودایع موضوع میشود آنهم برای حفظ ودیعه است و این نه مخالفت با قانون دارد و نه موافقت و در واقع اینهم جزء همان مالیاتهاى است که از سابق معمول برده و از بدو تأسیس عدلیه این امر بوده و مربوط بعالانیت و ابلاغ تازه ای نه در باب ودیعه و نه در باب ودیعه بیست ساله از طرف وزارت عدلیه صادر نشده است.

و اطلاعاتاً عرض میکنم در موقعی که

آقای سردار معظم وزیر عدلیه بوده اند به موجب يك حکم کلی بکلیه معاکم دستور داد اند و یاد آوری کردند که اگر در ابلاغات چیزی برخلاف قانون دیدند به موجب همان قسمت از قانون اساسی که عرض کردم به معاکم حق نظر داده است اجراء نکنند و چنانچه عرض کردم این مسئله هم نظری است بعضیها بعضی از ابلاغات را موافق قانون می دانند و بعضی دیگر مخالف قانون.

**یاسائی -** فرمایشات آقای معاون محترم وزارت عدلیه مقتنع نبود زیرا نظامنامه راجع باوقاف بعد از وزارت آقای سردار معظم تدوین شده و حق توقیف را در يك مواردی با ادارات اوقاف داده اند و این برخلاف قانون اساسی است.  
قانون اساسی حق توقیف را بمعاکم عدلیه و اگذار کرده است و با مطابق قانون حق يك توقیفاتی بضابطین عدلیه مستنطقین داده شده و در بعضی جاها رئیس امینیه یا رئیس نظمی یا کمیسر ها قائم مقام مستنطقین هستند و میتواند اشخاص را توقیف کنند.

والا حبس بموجب قانون اساسی از مختصات محکمه عدلیه باید باشد و باید بحکم معاکم عدلیه بعمل آید و این نظامنامه با ادارات اوقاف اجازه داده است که بدون اقامه دعوی مدعی العموم در محکمه توقیف بکنند و این مسئله بنظر بنده صراحتاً برخلاف قانون اساسی است.  
در قسمت مرور زمان که فرمودند سابقه دارد و ایك يك مسئله نظریست.

لازم است عرض کنم که قانوننامه شود گفت نظریست یا غیر نظری.  
مثلا فلان چیز قانونیست یا نه؟  
و بالاخره اگر بخواهید قانون مرور زمان در مملکت مجری شود باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد و الا يك نظامنامه هائی که هیئت وزراء در يك عصری وضع کرده اند این قانون نمیشود بلکه باعث اشکال خواهد بود و رفع این اشکال هم باین است که وزارت عدلیه اگر استدلالی دارد که این نظامنامه صحیح است و باید صورت قانونی پیدا کند باید بتمام محاکم عالی و دانی حکم کند که این را بصورت قانون بپذیرند و در همه جا اینرا يك شکل و صورت نگاه کنند.

نقض و تنفیذهاى که امروز در اطراف احکام محاکم رو میدهد برای این است که اصلاً یکی میگویی این قانون نیست و من نمی پذیرم.  
دیگری میگویی قانونست من میپذیرم ولی وقتی که بصورت قانونی در آمد آن وقت این اشکال مرتفع خواهد شد.  
در قسمت عشریه هم که از ودایع کسر می شود مطابق ابلاهی که چاپ شده و در کتاب ابلاغات وزارت عدلیه موجود است بالصراحه نوشته شده است

**معاون وزارت عدلیه - بطوری**  
عرض کردم راجع بدعاوی بیست ساله این يك نظامنامه ای از طرف وزارت عدلیه ندارد و فقط بموجب يك تصویب نامه هائی است که از هیئت وزراء متوالیا صادر شده است ولی اجراء نمیشود.  
و این ترتیب امروزه در وزارت عدلیه مقرر است که معاکم دعوی ها را غالباً به استناد مرور زمان رد نمیکند و برای اینکه با قانون هم موافقت داشته باشد لایحه ای در این باب تهیه و تقدیم مجلس خواهد شد.

**رئیس -** عمده برای مذاکرات کافی نیست.  
جلسه آتی روز شنبه.  
دستور را عرض میکنم اولاً سه فقره خبر از کمیسیون بودجه.  
یکی راجع بکنترات مسیوم ولایت و دیگری راجع بمستمری دکتر کویین و سومى راجع بحق وراث صاحب منصیان سوئدی.  
و دو فقره خبر از کمیسیون متبرکات یکی راجع بطرحی که آقای تقی زاده در باب کتابخانه دولتی پیشنهاد کرده اند و دیگری راجع بطرح آقای الموتى در موضوع سدرودخانه شاه رود خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به معاقبت ماشین های صنعتی.

آقای عدل الملك.  
در چندی قبل عرض کردم که مسئله راه بندر جرز و دامغان يك چیزی است که برای تجار و قوافل و همه مردم فوائد عمده دارد.  
از این جهت استدعا دارم اینهم جزء دستور روز شنبه باشد.  
**رئیس -** جزو دستور میشود ولی نمی دانم وقت بیدامی کنم که در این باب مذاکره شود یا نه؟  
آقای میرز اشهاب  
(اجازه)  
**آقا میرز اشهاب -** بنده راجع به قانون استخدام مستخدمین ادارات مجلس میخواهم عرض کنم يك روز دیگر هم تذکر دادم گفتند خبرش در کمیسیون نظامنامه داخلی تمام شده است و تقدیم مجلس میشود و حالا تقدیم مجلس شده و مابین آقایان نمایندگان هم توزیع شده است.

حالا خواستم سؤال کنم از قبیل لوایح که تقدیم مجلس میشود اگر بنا شود تقاضای فوریت بشود در چه وقت بساند شود؟  
چون این اولین دفعه ای است که يك لایحه تقدیم مجلس شده و میخواهم تقاضای فوریت کنیم.  
نظامنامه تعرض این مسئله نشده و بنده نمیدانم چه وقت میشود تقاضای فوریت

آقای عدل الملك در چندى قبل عرض کردم که مسئله راه بندر جرز و دامغان يك چیزی است که برای تجار و قوافل و همه مردم فوائد عمده دارد.  
از این جهت استدعا دارم اینهم جزء دستور روز شنبه باشد.  
**رئیس -** جزو دستور میشود ولی نمی دانم وقت بیدامی کنم که در این باب مذاکره شود یا نه؟  
آقای میرز اشهاب  
(اجازه)  
**آقا میرز اشهاب -** بنده راجع به قانون استخدام مستخدمین ادارات مجلس میخواهم عرض کنم يك روز دیگر هم تذکر دادم گفتند خبرش در کمیسیون نظامنامه داخلی تمام شده است و تقدیم مجلس میشود و حالا تقدیم مجلس شده و مابین آقایان نمایندگان هم توزیع شده است.

چون این اولین دفعه ای است که يك لایحه تقدیم مجلس شده و میخواهم تقاضای فوریت کنیم.  
نظامنامه تعرض این مسئله نشده و بنده نمیدانم چه وقت میشود تقاضای فوریت

کرد.  
غرض این است که رأی فوریت در این باب داده شود برای اینکه زودتر تمام شده بلکه بتوان برای اول حمل درباره مستخدمین اجراء کرد.

**رئیس -** تقاضای فوریت وقتی ممکن است که لایحه یا طرحی تقدیم مجلس می شود یعنی قبل از ارجاع بکمیسیون.  
آقای کازرونی.  
(اجازه)  
**کازرونی -** عرض ندارم.  
**رئیس -** آقای اخگر.  
(اجازه)

**اخگر -** بقدری پیشنهاد برای جلسه آینده شده است که بنده دیگر نمیتوانم چیزی عرض کنم.  
(مجلس یک ساعت بعد از ظهر ختم شد)  
رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملك  
منشی - فلی اقبال الممالک  
منشی - معظم السلطان  
**جلسه ۱۱۶**  
صورت مشروح مجلس یوم شنبه چهارم دلو ۱۳۰۳ مطابق بیست و هشتم جمادی الثانیه ۱۳۴۳

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید (صورت مجلس یوم پنج شنبه دوم کردند).  
دلو را آقای آقا میرزا جواد خان قرائت کردند).  
**رئیس -** گویادر صورت جلسه مخالفی نباشد؟  
(گفتند خیر)  
**رئیس -** دستور امروز اولاً خبر کمیسیون بودجه راجع به مسیوم ولایتراست در کلیاتش مخالفی هست؟  
**آقا سید یعقوب -** بند در آن صورت اسم خردم را نوشته ام. مخالفم  
**رئیس -** بفرمائید  
**آقا سید یعقوب -** شاید در نظر آقایان نمایندگان محترم باشد که بنده یکنفر از نمایندگان هستم که مامورین و طبقه شناس را فوق العاده ستایش و تحسین می کنم و مامورینی که ما استخدام کردیم مخصوصاً مامورین بلژیکی خدمت کرده و انجام وظیفه نموده اند خصوصاً از زمانی که مسیوم نوز رئیس گمرکات شد گمرکات مملکت مارا در تحت يك انتظامی در آورد همین طور بستخانه را لیکن همه آقایان می دانند که این خدمت کردن در ازاء يك نعمتی بوده است دولت ایران نعمتی داده است آنها هم خدمت کرده اند و نسبت بهم دیگر طلبکارند نه بده کار.  
يك کسی يك خدمتی کرده است دولت هم درازاء آن نعمتی میدهد.  
مجلس شورای ملی و دولت هم در هر